

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۴۶

جمعه ۲۸ آبان ۱۴۰۰ - ۱۹ نوامبر ۲۰۲۱

بایکوت را همه جا فریاد بزنید!

کاظم نیکخواه

ابعاد مختلف بیرحمی و شکنجه و جنایات فجیع حکومت اسلامی هر روز دارد با شرح جزئیات جلوی چشم دنیا قرار میگیرد. دادگاه حمید عباسی در سوئد شهادت شاهدان بسیاری را شنید که چگونه مورد تعرض و بی حرمتی و شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند و به چشم خویش دیدند که هزاران جوان به سادگی آب خوردن راهی راهروهای مرگ شدند و گروه گروه اعدام شدند. دادگاه مردمی آبان نیز به همه نشان داد که در اعتراضات آبان ۹۸ عوامل و نیروهای انتظامی حکومت چگونه مستقیم به سوی جمعیت معترض به قصد کشت شلیک کردند و شمار بسیاری را به خاک انداختند. تاکنون اینچنین گوشه زوایای آدمکشی حکومت افشا نشده بود. رفتار حکومت با خانواده های قربانیان و فشار بر آنها برای سکوت و حتی طلب پول گلوله و امثال اینها نیز برای هرکس که شنید باور نکردنی و تکان دهنده و انزجار آور بود. این دادگاهها فصل تازه ای را در رابطه مردم چه در ایران و چه در سطح جهان با حکومت اسلامی گشود.

این دادگاهها در کنار رویدادهایی همچون سرنگون کردن هوایمای مسافربری و اعدام نوید افکاری که هر دو در سال گذشته صورت گرفت هر دو در دنیا صدا کرد، بروشنی به

ادامه در صفحه ۲



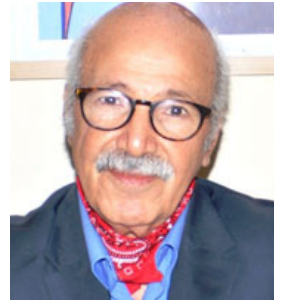
در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

- ۲ و ۱ بایکوت را همه جا فریاد بزنید! کاظم نیکخواه
- ۵ و ۴، ۳ جایگاه حزب کمونیست کارگری در تحولات سیاسی ایران و جهان. حمید تقوانی
- ۷ و ۶ التحریر کشاورزان و مردم در اصفهان. شهلا دانشفر
- ۸ "رسانه تریبونال" علیه چهاردهه جنایات جمهوری اسلامی. حمید تقوانی
- ۹ دادگاه بین المللی مردمی آبان، بایکوت جهانی و سرنگونی جمهوری اسلامی
- ۱۰ دادگاه آبان به زبان تصویر
- ۱۱ بیانیه شورای بازنشستگان به مناسبت دومین سالگرد آبان خونین!
- ۱۲ ماجرای "حذف دلار ۴۲۰۰۰ تومانی" و گرانیهای بیشتر. محمد شکوهی
- ۱۳ دستگیری و محکومیت نرگس محمدی را شدیداً محکوم میکنیم.
- ۱۳ جمهوری اسلامی چاره ای جز سرنگونی ندارد! حمید صداقت
- ۲۲ تا ۱۴ پیامهایی از ایران به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری
- ۲۳ اطلاعیه کنگره حزب
- ۲۵ و ۲۴ از مدیای اجتماعی حزب
- ۲۸ و ۲۷، ۲۶ اطلاعیه های حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱



کاظم نیکخواه

هستند توسط این حکومت انجام شده و انجام میشود. قتل‌های دسته جمعی، شکنجه، ناپدید سازی، پاکسازی قومی و مذهبی و الی آخر.

نکته من اینجا اینست که دنیا صدای ما را شنید. با این دادگاهها هرچه را نمی دانستند فهمیدند. هوایمای مسافربری که جلوی چشم مردم دنیا به زیر کشیده شد و ۱۷۶ زن و مرد و کودک را لت و پار کردند. این دادگاهها نیز گوشه های نسبتا مخفی عملکرد جمهوری خبیث اسلامی در درون زندانها را جلوی چشم همه گذاشت. دیگر معطل چه هستیم؟ این حکومت باید در سطح جهان بایکوت شود. سفارتخانه هایش بسته شوند. نهادها و سازمانهای ورزشی و تبلیغاتی و دیپلماتیکش تعطیل شوند. اینها باید گورشان را از همه جا گم کنند.

کدام حکومت به اندازه اینها علیه بشریت جنایت کرده است؟ واقعا کدام دیکتاتور اینهه جنایت کرده؟ نه پینوشه و نه رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و نه بقیه دیکتاتورهای منفور هیچ کدام این همه جنایت نکرده اند.

بایکوت این رژیم ممکن است

” دنیا صدای ما را شنید. با این دادگاهها هرچه را نمی دانستند فهمیدند. هوایمای مسافربری که جلوی چشم مردم دنیا به زیر کشیده شد و ۱۷۶ زن و مرد و کودک را لت و پار کردند. این دادگاهها نیز گوشه های نسبتا مخفی عملکرد جمهوری خبیث اسلامی در درون زندانها را جلوی چشم همه گذاشت. دیگر معطل چه هستیم؟ این حکومت باید در سطح جهان بایکوت شود. سفارتخانه هایش بسته شوند. نهادها و سازمانهای ورزشی و تبلیغاتی و دیپلماتیکش تعطیل شوند. اینها باید گورشان را از همه جا گم کنند.“



بایستیم. بایکوت با فشار ما و با تلاش ما میتواند به واقعیت پیوندد و جانبان اسلامی در حلقه انزجار و نفرت جهانیان قرار گیرند. این یک گام مهم در سرنگونی این حکومت ضد بشریت است.

۱۸ نوامبر ۲۰۲۱

دفاع کنند. بیایید همصدا با هم کاری کنیم که دنیا بداند که بایکوت جهانی حکومت اسلامی خواست جوشان همه ما مردم است، کاری کنیم که این عبارت در دنیا طنین انداز شود.

باور کنیم که بایکوت این حکومت در دسترس است به شرطی که ما محکم پشت آن

اعتراض میکنید، بایکوت را فریاد بزنید. شما خانواده های قتل‌های زنجیره ای بایکوت را فریاد بزنید.

به دولتها، به سفرا، به سازمانها و نهادهای بین المللی بگوئید از بایکوت حکومت دفاع کنند. به نهادهای بین المللی، هنری، ادبی و حقوق بشری و ورزشی بگوئید از بایکوت

خلاصی از حکومت اسلامی سخن می گوئید به رسانه ها و نهادهای بین المللی بگوئید که دیگر معطل چه هستید؟ این حکومت را بایکوت کنید و دست اندرکاران کثیفش را از کشورهايتان بیرون بیندازید. شما مادران و پدرانی که عزیزانتان را این حکومت اعدام کرده است و دادخواه هستید و دارید علنا

اکنون ما مردم باید در هر کجا که هستیم بایکوت را فریاد بزنیم. بایکوت یک گام مهم در سرنگونی حکومت اسلامی است. شما مادران خاوران که صدایتان در دنیا شنیده میشود! هر جا که میکروفون جلوبیتان میگذارند بگوئید خواست ما بایکوت حکومت اسلامی است. شما خانواده های آبان که علنا از

جایگاه حزب کمونیست کارگری در تحولات سیاسی ایران و جهان

این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی به مناسبت سالگرد تشکیل حزب تدوین شده است

موقعیت کمونیسم بطور کلی و بطور مشخص موقعیت حزب را چگونه میبینید؟

حمید تقوایی: اول باید به این اشاره کنم که در آن دوره مورد نظر شما گرچه بخاطر شکست انقلاب ۵۷ جنبشهای اعتراضی فروکش کرده بود ولی در همان سطحی که در همان دوره اعتراضات و اعتصابات جریان داشت، حزب هم در رابطه با آنها و در دل آنها فعال بود. در یک سطح کلان مبارزات اجتماعی، بخصوص اعتصابات و مبارزات

کارگری، مبارزات زنان، مبارزات علیه مذهب و سکولاریستی و بخش های مختلف جامعه، همه تقریباً از اوائل قرن حاضر از سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ شروع شد. از مقطع تشکیل حزب تا آن موقع آن فضا و آن جنب و جوش و تحرک اجتماعی و اعتراضی که ما در آغاز قرن بیست و یک شاهد بودیم نه در ایران و نه در بسیاری از کشورهای دیگر وجود نداشت. ولی در همان حدی هم که بود ما با اسم حزب کمونیست ایران، و سپس در دهه نود قرن گذشته، در قالب حزب کمونیست کارگری، فعال و دخالتگر بودیم. بعنوان نمونه در مراسم اول مه در جشن کارگران سنندج و دیگر شهرهای کردستان و یا در قبال اعتصاب کارگران نفت و یا اعتصاب رانندگان شرکت واحد و کلا در برخورد به اعتراضات توده ای در شرایط پس از ختم جنگ ایران و عراق ما برخورد فعال و دخالت گرانه ای داشتیم.

خوابیدن گرد و خاک و هیاهوی تبلیغات ضد کمونیستی و از سوی دیگر گسترش نارضایتی ها و قطبی شدن جامعه ایران بعد از جنگ ایران و عراق علیه جمهوری اسلامی، باعث شد که در یک سطح بسیار وسیعی جنبش ها و اعتراضات سر بلند کنند. من بخاطر دارم اولین باری که حزب ما حرکت هایی در جامعه مشاهده کرد- که به نحوی متأثر از سیاست های خودش هم بود- اعتصابات کارگران نساجی سنندج بود و

ادامه در صفحه ۴



گفتگو بینات سالگرد تشکیل حزب

پاسخ خلیل کیوان و حمید تقوایی

حزب برنامه یک دنیای بهتر را اعلام و منتشر کرد و بر این مینا سیاست ها و جهت گیریها و فعالیتهای رادیکال و روشنی را در دستور گذاشت. حزب اعلام کرد نه تنها جنبش ضد سرمایه داری و کمونیسم واقعی نمرده است بلکه دور تازه ای از به چالش کشیدن سرمایه داری جهانی در دنیای پسا جنگ سرد آغاز خواهد شد. و همین طور هم شد. دیری نپایید که آن هیاهوی جشن پیروزی سرمایه داری بازار آزاد فروخواهید. این جنجال حتی چند سال هم دوام نیاورد. به سرعت روشن شد که "تظم نوین جهانی" بجز افسارگسیختگی ضدانسانی ترین نیروهای قومی و مذهبی و ناسیونالیستی و اتنیکی در چهارگوشه دنیا معنا و حاصلی ندارد. آتش جنگها و نا آرامی ها و اعتراضات دنیا را فرا گرفت. و این ضرورت بود که بنظر مردم در یک سطح پایه ای نه تنها توده مردم در ایران و منطقه بلکه در جهان را به سر بلند کردن حزبی مثل حزب کمونیست کارگری نیازمند میکرد.

خلیل کیوان: حزب در خارج کشور تشکیل شد. از نظر عملی هنوز در عرصه های زیادی فعال نبود. اشاره کردید که دهه نود با سقوط شوروی اتفاق افتاد و سرخوردگی ناشی از شکست انقلاب ۵۷ را داشتیم. در این فضا دامنه فعالیت احزاب چپ محدود بود. اما کم کم فعالیت های عملی حزب گسترش یافت تا امروز که میبینیم حزب در ده ها عرصه و زمینه فعالیت دارد. سه دهه پس از آن دوران،

بودند، زمینه ای شد برای فعال شدن گرایش ناسیونالیستی، نوعی منطقه گرایی و دموکراسی گرایی در حزب کمونیست ایران. این نوع گرایشها در آن مقطع در کل جنبش کمونیسم غیر کارگری دنیا تقویت شده بود و در حزب کمونیست ایران هم همین اتفاق افتاد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز در قالب حزب کمونیست ایران و در چارچوب سیاست های ایران و منطقه حساب خودش را از این نوع به اصطلاح دموکراسی طلبی های ناسیونالیستی و منطقه گرایی و دیدهای خردی که تحت تاثیر جو آن دوره از ایده های پایه ای کمونیستی دور شده بود، جدا کرد.

ولی همانطور که اشاره کردم اهمیت تشکیل حزب کمونیست کارگری نقد گرایشها درون حزب کمونیست و یا حتی صرفاً شرایط سیاسی ایران و منطقه نبود بلکه جایگاه جهانی تشکیل حزب بود. اهمیتش در این بود که در سطح دنیا در برابر هیاهو و جنجال ضد کمونیستی ایستاد و از یک موضع تعرضی با آن مقابله کرد. اعلام کرد کمونیسم دیگری هست. آن کمونیسمی که شکست خورد ربطی به طبقه کارگر ندارد. اعلام کرد کمونیسم کارگری نه تنها شکست نخورده بلکه با نقد رادیکال سرمایه داری بازار آزاد و کمونیسم فروپاشیده نوع روسی، پرچم حزب خود را برافراشته و به میدان آمده است.

می دانستند پایان کمونیسم را اعلام کرده بودند و شکست کمونیسم به نظریه مسلطی در افکار عمومی مردم دنیا تبدیل شده بود. نظریه پردازان طبقه سرمایه دار حتی اعلام کردند مبارزه طبقاتی به پایان رسیده است و سرمایه داری بازار آزاد قرار است دنیا را گلستان کند. گفتند نه تنها کمونیسم بلکه تمام ایده های برابری طلبانه، آزادیخواهانه، و هر فریادی، اعتراضی علیه فقر و نابرابری هم دوره اش گذشته است و همین است که هست. آلترناتیو دیگری نیست. جایی برای آرمان خواهی و ایده آلهای انسانی نیست. سرمایه داری جهانی و رسانه ها و متفکرینش جشن و پایکوبی مشمئزکننده ای را بر خرابه های شوروی به راه انداختند.

در برابر این شرایط قهقرائی، دنیا باید جواب میداد. باید در برابر این وضعیت کمونیست روشن بینی مثل منصور حکمت می ایستاد. باید حزبی در دفاع از آرمان و ایده آلهای انسانی سر بلند میکرد. تشکیل حزب کمونیست کارگری قبل از هر چیز پاسخی به این ضرورت جهانی بود.

یک بازتاب و پیامد این شرایط در خاورمیانه جنگ خلیج بود؛ یعنی حمله به عراق در دوره بوش پدر که مقارن بود با مقطع فروپاشی شوروی. و این در حزب کمونیست ایران، که منصور حکمت و دیگر تشکیل دهندگان حزب کمونیست کارگری از اعضای رهبری آن

خلیل کیوان: سی سال پیش/ در ۱۰ آذر سال ۱۳۷۰ شمسی (۳۰ نوامبر ۱۹۹۱)، حزب کمونیست کارگری ایران تشکیل شد. زمینه های تشکیل حزب چه بود؟ این حزب تاکنون چه تأثیراتی بر اوضاع سیاسی ایران داشته است؟ کنش و واکنش حزب بر اوضاع سیاسی ایران و بر جنبش های اعتراضی و اجتماعی و فعالین آن به چه صورت است؟ چشم انداز و نقش حزب بر روندهای سیاسی چیست؟ به مناسبت سی امین سالگرد تشکیل حزب این پرسش هایمان را با حمید تقوایی لیدر حزب در میان گذاریم.

حمید تقوایی، سی سال از تشکیل حزب میگذرد. اما سابقه فعالیت برخی از اعضای آن- از جمله خود شما- بیشتر است. زمینه های تشکیل حزب چه بود؟ کدام ضروریات سیاسی، اجتماعی و تاریخی منجر به تشکیل حزب شد؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردید سابقه فعالیت بخشی از کادرهای حزب بیشتر از سی سال است. بسیاری از ما از انقلاب ۵۷، و حتی برخی از قبل از آن در زمان شاه، مبارزه مان را شروع کردیم. در زندگی همه ما انقلاب ۵۷ یک نقطه عطف بود. انقلاب ۵۷ تحول اساسی ای بود که سیاست ها، ایده ها و جهت گیریهایی که بالاخره منجر به تشکیل حزب کمونیست کارگری شد را پایه گذاشت. بحث ما در اینجا تحولات قبل از تشکیل حزب کمونیست کارگری نیست فقط خواستم اشاره کنم که حزب ما در نهایت از یک تحول مهم اجتماعی، از انقلاب ۵۷ نشأت میگیرد.

تا آنجا که به تشکیل حزب کمونیست کارگری برمیگردد تحولات جهانی نیز در تشکیل آن نقش اساسی ای داشت. حزب کمونیست کارگری در مقطعی تشکیل شد که دیوار برلین فرو ریخته بود و شوروی در حال اضمحلال بود. دولت ها، رسانه ها و حتی بسیاری از احزابی که قبلاً خودشان را چپ

ادامه از صفحه ۳

جشن آدم برفی‌ها در کردستان که هر دوی این‌ها در اواسط و اواخر سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد. این حرکات اعتراضی نقطه شروع گسترش اعتصابات کارگری، جلو آمدن چهره‌های جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و اعتراضات گسترده دیگری بود که با شتاب زیادی رشد کرد و هر روز وسیعتر شد. این اجازه داد حزب کمونیست کارگری، که این تبیین و انتظارات را از تحولات داشت، و پراتیک و دخالتگری گسترده در اعتراضات از ابتدا یک اصل و اساس مبارزاتی اش بود، در این شرایط بتواند بسیار فعالتر از گذشته در جنبشها و حرکات اعتراضی دخیل بشود و پراتیک به معنی اجتماعی و وسیع بخش اعظم انرژی و فعالیت حزب را به خودش اختصاص بدهد.

بدنبال این حرکات اعتراضی، مبارزات زنان علیه حجاب و آپارتاید جنسی، جنبش دانشجویی، جنبش علیه اعدام، و بویژه جنبش کارگری با اعتصابات در یک سطح گسترده و بیسابقه به میدان آمد و در خارج کشور نیز جنبش علیه تروریسم اسلامی به حرکت در آمد. در همه این زمینه‌ها حزب کمونیست کارگری بسیار فعال و تاثیر گذار بود.

با توجه به این تحولات و روندی که توضیح دادم فکر کنم پاسخ سؤال شما در مورد موقعیت امروز حزب هم روشن باشد. ما امروز در عرصه‌های زیادی در شکل دادن به فضای اعتراضی جامعه، در اعتصابات و مبارزات میدانی جاری و در کارزارهای گسترده و متعددی در داخل و خارج کشور دخیل و فعال هستیم. تا حدی که حتی مقامات رژیم اعتراف میکنند حزب کمونیست کارگری "حزب اعتراض" است. فعالیتهای حزب صرفاً عکس‌العملی به حرکات و جنبشهای اعتراضی نیست بلکه خود در شکل دادن به اعتراضات و جنبشهای جاری در جامعه پر جنب و جوش امروز و تعمیق و گسترش این جنبشها نقش مهمی داشته است.

خلیل کیوان: حزب کمونیست کارگری حزب طبقه کارگر است.

آیا حزب بر مبارزات کارگران متمرکز است؟ سؤال دیگر این است که طبقه کارگر چه نیازی به حزب دارد؟ آیا تشکلهای توده‌ای کارگری کافی نیست؟

حمید تقوایی: این دو جنبه‌ای که سؤال کردید به هم مربوطند. دو روی یک سؤال است. در پاسخ به سؤال اول باید گفت مبارزات کارگری جای ویژه‌ای در حزب دارد ولی تمرکز بر این مبارزات علت و فلسفه وجودی حزب نیست. خصلت نمای حزب کمونیست کارگری مبارزه علیه سرمایه داری است. می‌خواهد سرمایه داری و سیستم بردگی مزدی را بریانند. می‌خواهد از طبقه سرمایه دار، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی، خلع ید کند و جامعه‌ای در خورشان انسان، جامعه‌ای نه بر مبنای سود اندوزی بلکه مبتنی بر رفع نیازهای همه مردم، سازمان بدهد. نیروی اصلی و تعیین کننده این حرکت طبقه کارگر است. و این رابطه‌ای است که حزب را به طبقه کارگر پیوند میدهد.

حزب در واقع ستاد مبارزاتی طبقه کارگر در کل جامعه علیه نظام سرمایه داری است و ازینرو اکثریت عظیم مردم را که آنها هم از ستمها و تبعیضات و مصائب ناشی از نظم سرمایه در رنجند نمایندگی میکند. حزب ضد هر نوع تبعیض و نابرابری، حزب آزادیهای بی قید و شرط، حزب علیه سرکوب و هر نوع بی حقوقی فقط میتواند حزب طبقه کارگر باشد. و حزب ما دارای چنین خصوصیات است.

حزب آن افق، سیاست، و اهداف و آرمانهایی که جامعه را از شر سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه داری رها میسازد را نمایندگی میکند و به این معنی سازمان و ستاد طبقه کارگر در عرصه مبارزه سیاسی و در مبارزه برای خلع ید طبقه سرمایه دار از قدرت سیاسی است. به این معانی ما حزب طبقه کارگر هستیم و نه صرفاً بخاطر تمرکز به مبارزات کارگری.

وقتی از این زاویه به جنبش کارگری نگاه کنیم می‌بینیم که طبقه کارگر جایگاه تعیین کننده

در تحولات سیاسی ایفا میکند. اهمیت تعیین کننده طبقه کارگر در تحولات تنها بخاطر مبارزات خودش و خواستههای صنفی خودش نیست بلکه بخاطر نقش تعیین کننده او در مبارزات همه بخش‌های مختلف جامعه است. مبارزاتی که حتی مستقل از وقوف فعالین و مردم درگیر در آن، عملاً و بطور واقعی علیه سرمایه داری است.

ستم بر زنان که در ایران بیداد میکند، تبعیض مذهبی که در ایران بیداد میکند، ستم علیه جوانان، علیه مردم منسوب به ملیت‌های دیگر و اقوام دیگر، ستم علیه فقرا، علیه محرومین علیه حاشیه‌نشینان و تمام مصائب و ستم‌ها و تبعیضاتی که در جامعه مبینید، ریشه همه اینها نظام سرمایه داری و بردگی مزدی است. گرچه سرمایه داری اسلامی شده تمام این مصائب را تشدید کرده و بیشتر گسترده کرده ولی ریشه همه اینها در هر حال سرمایه داری است و به همین خاطر مبارزه طبقه کارگر برای رهایی جامعه مستقیماً مربوط میشود به مبارزه علیه تمام این تبعیضات و نه فقط تبعیضاتی که علیه خود کارگران بعنوان طبقه تولید کننده وجود دارد. از این نقطه نظر تشکلهای توده‌ای کارگری گرچه ابزار مهم طبقه کارگر در مبارزه با کارفرمایان و سرمایه داران بر سر خواستههای صنفی خود و بعنوان فروشندگان نیروی کار هستند، نمیتوانند جای حزب و تشکل حزبی طبقه کارگر را بگیرند. طبقه کارگر برای حضور و عرض اندام در عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی که مستلزم بلند کردن پرچم‌هایی کل جامعه است، به حزب نیاز دارد.

به این معانی که گفتم مبارزات کارگری و جنبش کارگری نه تنها نقطه اتکا ما و پایه ما و خاستگاه ما و مبنای کار ماست بلکه نقطه اتکای هر جامعه‌ای هست که بخواهد آزاد و رها شود. همه محرومین و قربانیان تبعیض و نابرابری، به اصطلاح امروز ۹۹ درصدی‌های جامعه، تنها و تنها راه نجاتشان این هست که به حزب طبقه کارگر روی بیاورند. نه تنها طبقه کارگر برای در هم شکستن یوغ بردگی مزدی به حزب طبقاتی خود

نیازمند است بلکه کل جامعه تشنه آزادی و رهایی از هر نوع تبعیض و بی حقوقی و نابرابری نیز نیازمند چنین حزبی است.

خلیل کیوان: اینطور که می‌گویید مبارزه علیه تبعیضات در اشکال مختلف برای حزب مهم است و صرفاً به مسائل مربوط به طبقه کارگر نمی‌پردازد. رابطه حزب با جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی در ایران به چه صورت است؟ حزب و این جنبش‌ها چه تأییراتی بر یکدیگر می‌گذارند؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم ما حزبی هستیم که علیه سرمایه داری مبارزه میکنیم. این ادعایی است که البته همه کمونیستها دارند. همه کمونیست‌ها خودشان را علیه سرمایه داری معرفی میکنند؛ با جنبش ضد سرمایه داری تداعی میشوند و نمایندگی میشوند. منتها یک تفاوتی هست بین حزب کمونیست کارگری وقتی این پرچم را بلند میکند و کمونیسم‌های نوع دیگر، و یا از نظر ما کمونیسم‌های غیر کارگری. تفاوت اینجاست که از نظر ما برای اینکه بتوانیم سرمایه داری را بر بیندازیم راه واقعی و عملی این است که نماینده همه بخش‌های جامعه علیه تبعیضی باشیم که در حقیقت رواج می‌شود. جنبش‌های مختلفی داریم مثل جنبش‌های زن، جنبش جوانان، جنبش علیه اعدام، جنبش بازنشستگان، جنبش ضد مذهبی، جنبش رنگین‌کمانی‌ها، جنبش طرفداران محیط زیست و غیره و غیره - که خوشبختانه در ایران لیست بلند بالایی از این جنبشها را می‌توان برشمرد. کمونیستها برای اینکه بتوانند عملاً و واقعا جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و سرمایه داری را بر بیاندازند باید به نیروی فعاله و رهبری کننده هر یک از این جنبشها برای حل مساله مشخص خود آنها تبدیل شوند.

چپ غیر کارگری برعکس فکر میکند. معتقدست در مبارزه علیه سرمایه داری باید همه فعالین جنبشهای اعتراضی امر سوسیالیسم را دنبال کنند. این اتفاق نمی‌افتد. به همین خاطر هم چپ غیر کارگری

همیشه حاشیه‌ای و بی ربط به تحولات زنده است. چپ غیر کارگری تصور میکند برای شکل گیری انقلاب سوسیالیستی جنبش زنان باید سوسیالیستی بشود، جنبش جوانان باید سوسیالیستی بشود، جنبش معلمان سوسیالیستی بشود و غیره. و معمولاً هم اینطور تبلیغ میکنند که تا سوسیالیسم نیاید شما آزاد نمیشوید. البته حقیقتی در این گفته هست ولی معنی آن این نیست که اکتیویستهای همه جنبشها باید سوسیالیست بشوند تا جامعه آزاد بشود. معادله برعکس هست. سوسیالیست‌ها باید پرچمدار امر بخشهای دیگر تحت ستم جامعه شوند. فعالینی که امرشان رهایی زن هست، لزوماً امرشان مبارزه با سرمایه داری نیست. اما اگر کمونیست‌ها به عنوان نیروی فعال در جنبش زنان و پرچمدار این جنبش برای حل تبعیض جنسیتی ظاهر بشوند آنوقت فعالین این جنبش، و توده زنان و مردمی که از ستم علیه زن رنج میکشند، نیز به کمونیست‌ها روی خواهند آورد. کمونیست کارگری معتقد است که ما میتوانیم و باید نقش تعیین کننده‌ای در جنبش زنان داشته باشیم برای حل مساله ستم جنسی، حل مسئله تبعیض به زن. و نه تلاش برای تبدیل جنبش زنان به عقبه جنبش سوسیالیستی که به جایی نخواهد رسید. بی تردید بهتر است فعالین هر چه بیشتری سوسیالیست بشوند و ما سعی میکنیم همه کسانی که ضد تبعیض و برابری طلب هستند در هر جنبشی، به اهداف و سیاستهای سوسیالیستی مجهز شوند. ولی در یک مقیاس توده‌ای و اجتماعی انقلابی که ما میخواهیم، تحول زیر و رو کننده‌ای که ما میخواهیم ایجاد کنیم از این راه نمیگذرد؛ از پرچمداری و راه نشان دادن‌های کمونیستها در جنبشهای بر حق و ضد تبعیض میگذرد.

به نظر من تا روز آخر انقلاب و قیام سوسیالیستی ممکن است حتی بخش زیادی از فعالین طبقه کارگر خودشان را سوسیالیست ندانند و به

برعکس فکر میکنند. معتقدست در مبارزه علیه سرمایه داری باید همه فعالین جنبشهای اعتراضی امر سوسیالیسم را دنبال کنند. این اتفاق نمی‌افتد. به همین خاطر هم چپ غیر کارگری

ادامه از صفحه ۴

» مبارزات کارگری جای ویژه ای در حزب دارد ولی تمرکز بر این مبارزات علت و فلسفه وجودی حزب نیست. خصلت نمای حزب کمونیست کارگری مبارزه علیه سرمایه داری است. می خواهد سرمایه داری و سیستم بردگی مزدی را بر بیاندازد. می خواهد از طبقه سرمایه دار، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی، خلع ید کند و جامعه ای در خورشان انسان، جامعه ای نه بر مبنای سود اندوزی بلکه مبتنی بر رفع نیازهای همه مردم، سازمان بدهد. نیروی اصلی و تعیین کننده این حرکت طبقه کارگر است. و این رابطه ای است که حزب را به طبقه کارگر پیوند میدهد.

احتمال زیاد اینطور خواهد بود. ولی بخش زیادی از فعالین و اکتیویست های جامعه، بخش زیادی از جامعه خواهان رهایی و آزادی میتوانند طرفدار کمونیستها باشند مشروط بر آنکه در مبارزه برای امر خودشان به کمونیستها اعتماد و اتکا کنند و تحقق امر خودشان را در قدرت گیری کمونیست ها ببینند.

این تفاوت دو متد و روش مختلف را در مقابل ما میگذارد. متد یک کمونیسم فعال و پراتیک در برابر یک کمونیسم پاسیو و حاشیه ای. روشی که ما دنبال میکنیم شرکت و فعال شدن در همه جنبشهای حق طلبانه و ضد تبعیض برای تحقق امر خود این جنبشها است. و از همین رو میدان وسیعی برای پراتیک مبارزاتی در برابر ما قرار میدهد. روش دیگر با تقسیم جنبشها و اکتیویستها به سوسیالیستی و غیر سوسیالیستی از اتاق انتظار روی آوری فعالین به مکتب اعتقادی خود فراتر نمی رود و عملاً درها را بروی دخالتگری و حضور در مبارزات جاری می بندد.

را. و با اسم و رسم مقامات قوه قضائیه جمهوری اسلامی را به چالش طلبیدند.

به این معنی رابطه حزب ما با جنبش های اجتماعی در نهایت مبتنی بر و بازتاب و انعکاس یک رابطه طبقاتی است که بین جنبش کارگری و جنبش های حق طلبانه دیگر در جامعه وجود دارد.

خلیل کیوان: پرسش آخر این است که چه چشم اندازی برای اوضاع سیاسی ایران و نقش حزب در آن میبینید؟

حمید تقوایی: اجازه بدهید ابتدا حزب را نادیده بگیریم و ببینیم تحولات سیاسی در جامعه به چه سمت می رود. بطور ایزکتیو تحولات و رخداد های بعد از ۹۸- من حالا به گذشته بیشتر برنمیگردم- بروشنی نشان میدهد جامعه به سوی یک انقلاب زیر و رو کننده به پیش میرود. حزب ما همیشه بر انقلاب و سرنگونی حکومت بقدرت انقلاب توده ای مردم تاکید کرده است، پرچمش را در دست داشته و فضای سیاسی و اعتراضی را به این سمت سوق داده است. در مقابل بخش هایی از اپوزیسیون، که آنها هم تا چند سال قبل گفتمانشان در هر حال مطرح بود، طرفدار و مروج رژیم چنج، تغییرات از بالا، اتکا به آمریکا، جنگ، بحران آفرینی در مرزها، نافرمانی مدنی، قانون اساسی،

رفراندوم و غیره و غیره بودند. این گفتمان ها را بویژه بعد از ۹۶ و ۹۸ دیگر شما نمی شنوید. خود جامعه، خود مبارزات، خود تحولات سیاسی جامعه ایران این گفتمان ها را حاشیه ای کرده و در عوض گفتمان انقلاب، سرنگونی، چالش صریح خامنه ای و مقامات حکومتی، مقابله با ارزش ها و تابوهای مذهبی که این روزها در کلیپ ها میبینید، چالش رئیس جمهور قاتل و کل بساط جمهوری اسلامی، مسلط و همه گیر شده است. بخصوص بعد از ۹۸ گفتمان سرنگونی و محاکمه خامنه ای و سران حکومت به نحو صریح تر و علنی تر و با اسم و رسم از جانب فعالین و مادران دادخواه و چهره های جنبشهای اعتراضی مطرح میشود. میتوان گفت شعارهای سرنگونی طلبانه ای که در تظاهرات خیابانی در خیزش آبان مطرح شد امروز به گفتمان و ابراز موضع صریح روزمره فعالین و چهره های جنبشهای اعتراضی در سطح علنی و در مدیای اجتماعی تبدیل شده است. اینها همه نشاندهنده این است که جامعه آن روندی را طی کرده است که سی سال است- و اگر بخواهید به گذشته دورتر برگردید از انقلاب ۵۷- حزب ما و جریانی سیاسی ای که امروز در حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود پرچمش را در دست داشته است.

این به حدی است که حتی

رهبران، آیکونها، چهره ها، فعالینی که با جنبش های دیگر شناخته میشوند مثل جنبش راست، سلطنت طلبی و جمهوری- سلطنت خواهان تلاش میکنند خود را با حرکت انقلاب جامعه و گفتمان چپ منطبق کنند. میگویند آلترا تیبو ما هفت تپه است. هفت تپه ای که با اداره شورائی شناخته میشود. جایزه حقوق بشر را به رهبران و چهره های جنبش کارگری اعطا میکنند. به همراه فعالین سرشناس و چهره های رادیکال جنبش کارگری بیانیه های اعتراضی میدهند. حتی اعلام میکنند آینده ایران سوسیالیستی است و غیره و غیره. اینها چه چیزی را نشان میدهد؟ نشان میدهد انقلاب و سرنگونی بقدرت انقلاب، یعنی خط و سیاست همیشگی ما کمونیستها، در جامعه دست بالا پیدا کرده است.

نقش حزب را باید بر این متن بررسی کرد. به نظر من یک عامل فعال و موثر در شکل دادن به این جو، حزب کمونیست کارگری بوده است. به این دلیل ساده که زمانی که بخش اعظم نیروهای راست حتی اسم سرنگونی را نمی آوردند و حداکثر از براندازی و رژیم چنج، یا رفراندوم و قانون اساسی فراتر نمی رفتند، این حزب همواره بر ضرورت، اهمیت و مطلوبیت انقلاب، و سرنگونی کل حکومت جمهوری اسلامی بقدرت

انقلاب و خیزشهای توده ای تاکید میکرد و مهمتر از آن در پراتیک و عملکرد و فعالیتهای میدانی و کارزارهای متعددی این امر را به پیش میبرد. امروز خوشبختانه سرنگونی طلبی به یک جنبش گسترده و به یک گفتمان عمومی تبدیل شده است.

بنظر من وضعیت جامعه و موقعیت حزب و سیاست های آن تأثیرات متقابلی بر هم داشته اند. از یکسو خیزشهای توده ای ۹۶ و ۹۸ و جنبشهای گسترده اعتراضی و سرنگونی طلبانه باعث شده که حزب ما فعالتر، قدرتمند تر، شناخته شده تر و محبوب تر شود و از سوی دیگر فعالیت های حزب باعث شده که جنبش کارگری و کلا جنبش های اعتراضی در ایران با پرچم های رادیکال تر و خواست های انسانی تر و در سطح وسیع تری به میدان بیایند. این تأثیرات متقابلی است که حزب ما و جامعه دارد و در آینده هم بنظر من این روند تا آنجا پیش خواهد رفت که بتوانیم بقدرت یک جامعه بیا خاسته علیه جمهوری اسلامی این نظام را بر زیر کشیم و یک جامعه آزاد، برابر و مرفه سوسیالیستی را در ایران پایه گذاری کنیم.

التحریر کشاورزان و مردم در اصفهان - تا حق خود نگیریم، از اینجا نمیریم!



شهلا دانشفر

تجمعات چندین هزار کشاورز در بستر زاینده رود و پیوستن مردم به این اعتراضات شهر اصفهان را به حرکت در آورده است. مردم دارند از "التحریر کشاورزان" در اصفهان سخن میگویند. هر روزه هزار تا دو هزار نفر در تجمعات اعتراضی بخاطر خشک شدن زاینده رود و مصائب آن حضور دارند. این اعتراضات از هفدهم آبان ماه آغاز شده است. از روز هجدهم آبانماه کشاورزان شرق و غرب اصفهان در کنار زاینده رود به دور رنگ قرمز و آبی چادر زده و شب را در آنجا سپری میکنند و اعلام کرده اند که اگر پاسخ نگیرند به تحصن و راهپیمایی های اعتراضی خود ادامه خواهند داد. بدین ترتیب طی این دو هفته هر شب جمع بزرگی از کشاورزان همراه با خانواده ها و با حضور جوانانی از شهر در کنار آتش نشسته و ضمن سخن گفتن از درد ها و مشکلاتشان بر سر چگونگی ادامه اعتراضات خود تصمیم گیری میکنند. هم اکنون چادرهای کشاورزان و تحصن شبانه آنها به نقطه ثقل و محل همفکری و تصمیم گیری جمعی و متحد شدن صف اعتراض تبدیل شده است. و جلوه های زیبایی از حرکت جمعی مردم را به نمایش می گذارد. اهمیت این جمع بودن و جمعی تصمیم گیری کردن ها را این کشاورزان در اعتراضات سالهای قبل خود نیز به خوبی تجربه کرده اند. تحصن شبانه کشاورزان و خانواده هایشان در عین حال نمایش همبستگی و اعتراض

موضوع اصلی اعتراض

کشاورزان به خشکی زاینده رود است که برای مردم این استان تبعات معیشتی بزرگی در پی داشته و به زندگی هزاران نفر صدمات جدی وارد کرده است. خشکی زاینده رود بعلاوه تاثیر مخربی بر محیط زیست و هوا و آب آشامیدنی و فرو نشستن زمین گذاشته است و این درد مشترک زمینه یک همبستگی وسیع مردمی با اعتراضات کشاورزان را فراهم کرده است. یک خواست فوری کشاورزان حقایق پاییزی است. حق آبه داران حوضه زاینده رود، شهرستان های لنجان، مبارکه، فلاورجان، نجف آباد و اصفهان را شامل می شوند.

در کنار این معضلات اساسی سر و کار داشتن با مافیای دلان مشکل دیگر کشاورزان است. این دلان که یک سرشان به حکومتیان وصل است، تولیدات کشاورزی را به قیمت نازل خریداری میکنند و به قیمت گزاف در بازار میفروشند. و در این جنس خریدن ها شبکه های مافیایی انحصاری خود را دارند و بعضا محصول کشاورزان را به دلیل طولانی ماندن در صف خرید کهنه و نابود میشود. از سوی دیگر تسهیلاتی دیگر چون تهیه کودهای شیمیایی استاندارد و مرغوب فقط شامل عده ای از خواص میشود و کودهای سمی و غیر استاندارد باعث تخریب زمین و محصول و سلامت کشاورز و مردم میشود. کشاورزان وزارت نیرو و دیگر نهادهای حکومتی را مسئول فاجعه زاینده رود و فروپاشی زندگی خود میدانند و در شعارهایشان مستقیما این بساط چپاول و دزدی و بی تامینی را به چالش کشیده و برابری و عدالت را فریاد میزنند. اعتراضات کشاورزان در چنین ابعاد فریاد اعتراض همه مردم است و از اینرو مردم وسیعا از آنها حمایت میکنند. حضور زنان در تجمعات و راهپیمایی های آنان بسیار چشمگیر و برجسته است و در سخنرانی

ها شرکت میکنند.

گروههایی از مردم با آوردن غذا و وسایل مورد نیاز به کشاورزان کمک رسانی میکنند. کشاورزان با شعار "تا آب نیاد تو رودخونه، برنمیگردیم به خونه" بر ادامه اعتراضات خود تاکید دارند.

مافیای آب و دلان با همکاری عوامل حکومتی تلاش دارند کشاورزان را با وعده و وعید و فریب دادن سر بدوانند. و در کنار آن عناصر خود را به چادرهای کشاورزان فرستاده و تلاش به مردم کردن آن ها در ادامه اعتراضات شان دارند. اما کشاورزان که وعده زیاد شنیده اند وقتی نگذاشته و به اعتراضات شان ادامه می دهند. از جمله برای روز جمعه ۲۸ آبان به تجمعی بزرگ فراخوان داده و مردم را به حمایت وسیع فراخوانده اند. این چنین است که اصفهان آرام ندارد و آنچه امروز در اصفهان شاهدیم، گوشه ای از رویداد عظیم تری است که در سطح جامعه جاری است و ادامه آبان را فریاد میزند.

خشک شدن زاینده رود و ابعاد فاجعه بار آن

جریان آب چشمه کوه رنگ یکی از پرآب ترین منابع آب چهارمحال و بختیاری و سرچشمه زاینده رود خشک شده است و تالاب گاو خونی که در انتهای این رود قرار دارد به تکه ای نمک زار و کویر تبدیل گردیده است. تاسیس کارخانه ذوب آهن که مصرف آب بالایی دارد صدماتی جدی به زاینده رود زد و البته تاریخ آن به قبل از جمهوری اسلامی بر میگردد. دلیل دیگر خشک شدن این رود ساختن سد هایی است که بدون هیچ نوع برآورد و استاندارد علمی زده شده است. سد سازی ها اساسا از دوران رفسنجانی شروع شده بود و عده زیادی از دارو دسته های حکومتی که موقعیتی داشتند زمین

دیگر با خشک شدن زاینده رود اکنون آب فاضلابها را به کشاورزان میدهند و این خود منبع انواع باکتریها و بیماریها شده و حتی یکسری از سبزیجات را نابود کرده است. از جمله در فلاورجان که در غرب اصفهان واقع است و شالیزارهای برنج دارد به دلیل بی آبی و در کنار آن وجود کارخانه سیمان کشاورزان صدمات بسیاری دیده اند.

بنا بر برخی گفته های دیگر فاضلاب نیروهای هسته ای نیز در رودخانه زاینده رود خالی شده است و در نتیجه زمانی که رودخانه و تالاب خشک شده همه این ضایعات وارد خاک میشود و بعد به صورت ریزگرد پخش میگردد و هوا و آب و زندگی مردم را آلوده و مسموم میکند و به دامها و کشت صدمه میزند. و این نیز میتواند یکی دیگر از دلایل افزایش آمار سرطان در این منطقه باشد. از جمله در ورزشگاه گزارشهایی از افزایش مبتلایان به سرطان خبر میدهند. البته در جمهوری اسلامی این آمار ها محرمانه است و حتی المقدور مانع انتشار آن به بیرون میشوند.

بر بستر چنین شرایطی است که خشکی زاینده رود به موضوع اعتراض همه مردم در اصفهان تبدیل شده است و هم اکنون کشاورزان به صدای رسای این اعتراض تبدیل شده اند.

روزشماری از اعتراضات کشاورزان

روز ۱۷ آبان کشاورزان در اصفهان همراه با خانواده هایشان در بستر زاینده رود تجمع بزرگی بر پا کردند و سپس در خیابان های مرکزی شهر راهپیمایی کردند. در این روز کشاورزان در حالی که نیروهای ضد شورش

های پشت سدها را خریداری کردند و قرار بود پروژه های آبیاری از آن سدها به این زمین ها برسد و یک نزاع حکومتیان در تغییر و تحولات قدرت در حکومت بر سر همین زمین ها بوده است. عامل دیگر انتقال آب به جاهای مختلف از جمله یزد و قم و غیره است که اساسا بخاطر برنامه های سودجویانه خود حکومت بوده و زاینده رود را به نابودی کشانده است. و بالاخره حفر چاههای

فراوان ضربه بزرگی به زاینده رود زده است. از جمله در زمان ریاست احمدی نژاد اجازه حفر چاههای بسیاری به باندهای خودی هایشان داده شد. یکی از بزرگترین عواقب چاه زدن های فراوان فرونشست زمین و سستی خاک است که به خانه ها و زندگی و کشت و همه چیز آسیب میرساند. بویژه به دلیل نبود میزان کافی بارندگی و برداشت بی رویه آب از آبخوان ها خاک نیاز شدیدی به آب پیدا میکند و وقتی چاه زیاد حفر شود، این چاهها آب را میکشد و زمین خلاء و درز پیدا کرده و فروکش میکند. با فرو نشستن زمین پل ها و خانه ها پایین خواهد ریخت، به آثار تاریخی صدمه وارد خواهد شد و خرابی های بسیار به بار می آورد. از همین رو یک بخش معترض به این وضعیت فعالین محیط زیستی هستند که امروز در کنار کشاورزان قرار دارند.

خشک شدن زاینده رود همراه با خود مافیای آب را ایجاد کرده است که با فروش آب تروتهای زیاد بهم میزند. در زیر دست و پای این مافیا کشاورزان و مردم این منطقه دارند له میشوند.

خشک شدن تالاب گاوخونی نیز موجب پخش ریزگردها در هوا و در آب شده و منبع آلودگی های زیست محیطی بسیاری شده و باعث صدمه به جان و سلامت مردم، و از بین رفتن دامها و محصولات کشاورزی شده است. از سوی

ادامه از صفحه ۶

در مقابل سازمان آب و برق صف بسته بودند، در آنجا تجمع کردند و در ادامه اقدام به راهپیمایی در شهر کردند. برخی از کشاورزان خشمگین هنگام تجمع و راهپیمایی در سطح شهر با چوب و سنگ به ساختمان شرکت آب منطقه‌ای اصفهان حمله کرده و شیشه‌های آن را شکستند. در این تجمع کشاورزان پلاکاردهایی با این مضامین در دست داشتند: زاینده رود ما کو؟، کشاورز می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد!، آب زاینده رود، حق مسلم ماست!، ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیما ما!، سرانجام نیز قرار تجمع در سر ساعت ۹ صبح روز بعد در برابر شرکت آب منطقه‌ای اصفهان را گذاشتند.

ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه ۱۸ آبان ماه کشاورزان اصفهان بنا به قرار قبلی مقابل شرکت آب منطقه‌ای تجمع کرده و بعد بر روی پل خواجه دست به راهپیمایی زدند. شعارهای اعتراضی آنها در شهر طنین انداخته بود. کشاورزان فریاد می‌زدند: "وای از این بی‌آبی، مسئول رو ببند به گاری"، "مرگ بر ساسانی (مدیر عامل شرکت آب منطقه‌ای اصفهان)", "آب زاینده رود حق مسلم ماست"، "فکر نکن تا به ابد می‌مونی"، "وزیر خائن! آواره کردی! که خانه ام را ویرانه کردی!..". مرگ بر تو! مرگ بر تو!، "عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، زندگی کشاورز روی هواست امروز"، "ساسانی، ساسانی، مرگ به نیرنگ تو... در این روز شمار زیادی از کشاورزان پس از تجمع و راهپیمایی در سطح شهر بر بستر خشک زاینده‌رود چادر برپا کردند و تحصن شبانه خود را آغاز نمودند. چادر کشاورزان شرق اصفهان قرمز رنگ و غرب اصفهان آبی رنگ است. کشاورزان اعلام کرده‌اند که تا زمانی که حلقه‌شان را دریافت نکنند، از آنجا نمی‌روند.

روز ۱۹ آبان درحالیکه محرابیان وزیر نیرو به اصفهان آمده بود تا بلکه اوضاع را آرام و تحت کنترل قرار دهد و افراد معینی از خودی هایشان در ورزنه و فولادشهر مشغول رایزنی بودند، کشاورزان به همراهی بخشهای دیگری از مردم اصفهان در کنار زاینده رود تجمع کرده و با راهپیمایی خود پاسخ او و حکومتیان را دادند. در راهپیمایی این روز کشاورزان با فریاد آهنگین "وزیر خائن! آواره کردی! که خانه ام را ویرانه کردی!.. مرگ بر تو!" حساب او را کف دستش گذاشتند. در تجمع اعتراضی این روز یکی از کشاورزان سخنرانی کرده و می‌گوید: "مردم آتش زیر خاکسترند. وای به آن روزی که این خاکستر برود و این مردم اوج بگیرند و خونشان بجوش بیاید. او سپس خطاب به ساسانی رئیس آب منطقه‌ای می‌گوید که جرات نکردی به میان ما بیایی و جواب دهی. او همچنین به صدا و سیما حکومتی که اخبار اعتراضات را سانسور و تحریف کرده بود اعتراض کرد. سخنران دیگری در سخنانش گفت: "رئیس وقتی که دادستان بود آمد اینجا و قرار شد واگذاری نباشد. اما کاری نکرد! چند روز بعدش رفتیم پیگیر شدیم هم زدند، هم زدیم، هم لنگشان کردیم! پس حرف این آقا اثری نداشت. رئیس واگذار کرد به اژه‌ای! اژه‌ای هم کاری نکرد.

یکی از اقدامات اعتراضی کشاورزان در این روز بریدن و از دور خارج کردن شناورهای آب دزدی کف رودخانه بود. بدین گونه کشاورزان خود وارد عمل مستقیم شدند. در روز نوزده آبان محرابیان وزیر نیرو طی سخنانی علت اصلی فرونشست زمین و بی‌آبی در اصفهان را رعایت نکردن الگوی کشت و جابه‌جا شدن سهم آب اعلام کرد. و در عین حال وعده‌هایی داد. این گفته او با خشم وسیع کشاورزان روبرو شد. کشاورزان در تجمع بزرگی همراه با مردم با شعار علیه

گارنگری حکومتیان پاسخ وی را دادند. در حرکت اعتراضی این روز کشاورزان با شعارهایی چون "تا آب نیاید به روخانه، برمی‌گردیم به خانه" و "ساسانی حیا کن ریاست را رها کن" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

روز ۲۰ آبانماه برای چهارمین روز متوالی کشاورزان به اعتراض و راهپیمایی خود ادامه می‌دهند. کشاورزان اصفهان در این روز سازمان یافته تر و وسیع تر در خیابان های اصفهان راهپیمایی می‌کنند و حق خود را فریاد می‌زنند. در حرکت اعتراضی این روز کشاورزان شعار می‌دادند: "کشاورز می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده‌ام ملتی"، "ای لشکر نصف جهان آماده باش آماده باش"، "آب زاینده رود حق مسلم ماست"، "حتی اگر بمیریم حق آبه رو میگیریم"

در این روز یکی از کشاورزان سخنرانی کرده و می‌گوید: "ما همه رو زندان ببرید، همه کشاورزان را ببرید، نمی‌خواد ما رو بکشید زندگیمون رفت همه چیز را گرفتین". و با این گفته با خشم بر ادامه اعتراض تاکید کرد. در تجمع این روز مردم بسیاری به کشاورزان پیوستند و کشاورزان شعار میدادند: "همشهری گرامی! تشکر، تشکر!"

روز جمعه ۲۱ آبانماه کشاورزان همراه با خانواده ها در پل خواجه دست به تجمع بزرگتری زدند و مردم نیز با شعار کشاورز، کشاورز حمایتت میکنیم به آنها پیوستند. بدین ترتیب در این روز چندین هزار نفر در این حرکت اعتراضی بزرگ شرکت کردند و راهپیمایی با شکوهی در بستر زاینده رود انجام گرفت. جمعیت شعار میداد: "برابری عدالت این است درخواست ملت"، "همشهری گرامی باور نکن بی‌آبی"، "وزیر بی‌کفایت، استعفا، استعفا!"، "مسئول بی‌کفایت، استعفا، استعفا!"،

"زاینده رود رو پس بدید به اصفهان نفس بدید". نگرانی از اینکه این اعتراضات الگویی برای اعتراضات کشاورزان در خوزستان و برخی مناطق دیگر شود که با مشکلاتی مشابه روبرویند از نحوه تبلیغات حکومتیان آشکار است..

روز یکشنبه ۲۳ آبان‌ماه خانواده ها نیز به صف اعتراض می‌پیوندند. کشاورزان به همراه خانواده هایشان دست به تجمع زده و به بست نشینی شبانه خود ادامه دادند. ۲۴- آبان تجمعات ادامه می‌یابد. هنگام شب نیز کشاورزان همراه با خانواده ها و حامیان خود در نار زاینده رود اتراق و تحصن میکنند. کشاورزان برای هفتمین شب متوالی به تجمع و اعتراض ادامه می‌دهند. آنها شعار می‌دادند: "وزیر چشمت را باز کن، زن و بچه را نگاه کن، حق‌آبه را رها کن". در تجمع این روز یکی از کشاورزان سخنرانی کرده و می‌گوید: ما به آمریکا و اسرائیل کاری نداریم. دشمنانی بزرگتر از آنها در کشور خودمان هستند. گدایان نکبت نمیتوانند استادان حکمت باشند. به دستهای من نگاه کنید. من یک کشاورزم و زحمت میکشم و پسر روحانی و پسر فلانی و فلانی که یک عمامه دارد باید روزی ما را بخورد.

کار نکند و نان بخورد. از کجا بیاد؟ ما باید زحمت بکشیم و آنها بخورند. ما حقمان را می‌خواهیم". (کف زدن جمعیت). در تحصن شبانه این روز تحصن کنندگان در بستر زاینده رود با خواندن سرود "یار هم استانی من" سرود همبستگی سر دادند. یک کار جالب دیگر معترضین تشکیل صندوقی است که هرکس می‌خواهد برای هزینه متحصنین کمکی کند به آن صندوق کمک میکند. در این روز کشاورزان غرب اصفهان نیز در محل پل بابا محمود پیربکران در بخش فلاورجان تجمع داشتند.

روز ۲۵ آبان تجمعات کشاورزان و خانواده هایشان در هشتمین روز خود همراه با سخنرانی ها و شعار دادن ها با وجود بارندگی ادامه یافت و جوانان شهر و فعالین اعتراض علیه تخریب محیط زیست در این تجمعات شرکت دارند. این اعتراضات بر فضای شهر اصفهان تاثیر گذاشته و همه از این اعتراضات سخن می‌گویند. در این روز یکی از سخنرانان مردم را به حمایت وسیع از اعتراضات کشاورزان فراخواند. یکی از صحنه های زیبای این شب توزیع مواد غذایی اهدایی مردم در میان تحصن کنندگان و اعلام همبستگی با آنان بود. یک نماد دیگر این همبستگی ها نوشتن شعار "کشاورز تنها نیست" بر روی دیوارهای شهر است.

روز چهارشنبه ۲۶ آبان تجمعات اعتراضی کشاورزان وارد نهمین روز شد. در این شب تحصن شبانه آنها علیرغم سرما همراه با خانواده هایشان ادامه یافت. در این روز چادر هنرمندان نیز به جمع کشاورزان معترض اضافه شد. هنرمندان برنامه موزیک و شعر خوانی برپا کردند و به این شکل به فضای اعتراض و همبستگی گرمی و شور و شادی دادند. سخنرانی ها و شعار دادن و کف زدن نیز ادامه یافت..

امروز پنجشنبه ۲۷ آبان کشاورزان همراه با خانواده ها و مردم اصفهان در بستر زاینده‌رود برای دهمین روز به اعتراض خود ادامه می‌دهند. از ساعت ۹ صبح در حالیکه در صحن این محل و مقابل چادرها صندلی چیده شده. جمعیت نشسته و در مورد مسایل و مشکلات خود تبادل نظر میکنند. کشاورزان برای فردا جمعه ۲۸ آبان در تدارک تجمع بزرگ دیگری هستند و همه مردم شهر را به شرکت فعال در آن فراخوانده‌اند. از این فراخوان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

آبان ادامه دارد - "رسانه تریبونال" علیه چهار دهه جنایات جمهوری اسلامی

مردم ایران در جریان این دادگاه نشان دادند که آماده اند و این توان و جسارت و عزم تحسین برانگیز را دارند که قد راست کنند و با شهادت و کیفرخواستهای کوبنده خود جنایات حکومت را مستند و مستدل کنند. این دادگاه میتواند در افکار عمومی برگزار بشود، پلاتفرم و پودיום آن تلویزیونهای اپوزیسیون مانند کانال جدید باشد، حضارش در کلاب هاوس و دیگر پلاتفرمهای مدیای اجتماعی گرد بیایند و دادستان و قضات آن توده مردمی باشند که از این کاناها جلسات آنرا دنبال میکنند.



حمید تقوایی

آبان تریبونال یک امکان و فرصت ارزشمند برای اعلام کیفرخواست و دادخواهی خانواده قربانیان آبان ۹۸ و یک گام بزرگ به پیش در مبارزات مردم ایران علیه حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی بود. سازماندهندگان این دادگاه شایسته بیشترین قدردانی ها هستند.

برگزاری این دادگاه اجازه داد تا خانواده هایی که حتی اجازه سوگواری برای عزیزان از دست رفته خود را نداشتند در برابر چشمان دنیا از درد و رنج خود بگویند و خشم خود علیه جانیان حاکم بر ایران را فریاد بزنند. پنج روز برگزاری این دادگاه روزهایی بود که همه چشمها را متوجه خود کرد و امیدها را در دل ها زنده کرد. امید به بزیر کشیدن و به محاکمه کشیدن جانیانی که روی خونخوارترین دیکتاتورهای عالم را سفید کرده اند.

اما نقش و تاثیرات این دادگاه فقط به روزهای برگزاری آن محدود نمیشود. برگزار کنندگان دادگاه اعلام کرده اند شاهدان تا سه ماه دیگر برای ارائه اسناد فرصت دارند. نه تنها آبان بلکه دادگاه آبان نیز ادامه دارد. اما ادامه آبان فراتر از تداوم آبان تریبونال است. تجربه پنج روز برگزاری این دادگاه نشان داد که قدم به پیش گذاشتن خانواده های عزیزان جانباخته آبان و شاهدان کشتار آبان میتواند به روزهای دادگاه محدود نباشد. مردم ایران در جریان این دادگاه نشان دادند که آماده اند و این توان و جسارت و عزم تحسین برانگیز را دارند که قد راست کنند و

در اعتصابات سراسری کارگران، در تجمع معلمان و بازنشستگان، در تجمع و تحصن کشاورزان، در حجاب برگیری زنان، در رفتار دوم چندین میلیونی جهانی علیه اعدام در ایران، در ابراز خشم و تنفر مردم از اسلام و رویگردانباشان از مذهب و خرافات مذهبی، و در چندین دادگاه سیاسی قضائی در سطح دنیا. بگذار "رسانه تریبونال" گام دیگری در ادامه آبان باشد. گامی به پیش در جهت به محاکمه کشیدن جمهوری اسلامی در دادگاه افکار عمومی دنیا به جرم چهل سال جنایت و توحش! گام دیگری در جهت منزوی و بایکوت جهانی این حکومت ددمنش و سرنگونی آن بقدرت انقلاب و قیام مردم ایران!

را دنبال کنند و پرونده همه کشتارها و ترورها و اعدامها و کل توحش جانیان حاکم را در برابر چشمان مردم دنیا قرار بدهند. دو ماه دیگر سالگرد کشتار سرنشینان هوایمی پرواز ۷۵۲ است. "دیماه تریبونال" را در کانال جدید برگزار خواهیم کرد. و همچنین سالگرد نوروز خونین سندانج و خرداد ۶۲ و نسل کشی تابستان ۶۷ و قتلهای زنجیره ای دهه ۷۰ و تیرماه ۷۸ و کشتار ۸۸ و تقریباً هر هفته و روز دیگر در چهار دهه اخیر را! هر روز سالگرد جنایتی است و بلند کردن فریاد اعتراض و دادخواهی جامعه ای که دیگر نمی پذیرد و تحمل نمیکند. جامعه ای که نه می بخشد و نه فراموش میکند.

شکوائیه ها و شهادتنامه ها به دادگاه آبان تریبونال اقدام بجا و فرصت مغتنمی برای گردآوری مدارک و شواهد بیشتر علیه جمهوری اسلامی است اما میتوان از این فراتر رفت. دادگاه افکار عمومی نباید تعطیل شود و این یعنی پیگیری آبان تریبونال در شکل یک تریبونال رسانه ای علیه کلیه جنایات جمهوری اسلامی. این یعنی ایجاد پلاتفرمی برای مادران خاوران و مادران آبان و خانواده قربانیان سقوط هوایمی مسافربری اوکراینی و وابستگان قربانیان قتلهای زنجیره ای و کل جامعه زخم خورده و رنج کشیده و در عین حال خشمگین و جسوری که عزم جزم کرده است تا چهار دهه جنایت و سرکوب حکومت اسلامی را بر سر آن خراب کند. بگذار رسانه های مردمی، محاکمات آبان تریبونال و دادگاه حمید نوری و دادگاه انتاریو کانادا

با شهادت و کیفرخواستهای کوبنده خود جنایات حکومت را مستند و مستدل کنند. این دادگاه میتواند در افکار عمومی برگزار بشود، پلاتفرم و پودיום آن تلویزیونهای اپوزیسیون مانند کانال جدید باشد، حضارش در کلاب هاوس و دیگر پلاتفرمهای مدیای اجتماعی گرد بیایند و دادستان و قضات آن توده مردمی باشند که از این کاناها جلسات آنرا دنبال میکنند.

در طی جلسات دادگاه آبان تریبونال افراد زیادی از خانواده قربانیان آبان و شاهدان کشتار آبان که جزو لیست شهادت دهندگان اولیه نبودند پا پیش گذاشتند و با برگزارکنندگان دادگاه، با کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و با تلویزیون کانال جدید تماس گرفتند و برای دادن شهادت اعلام آمادگی کردند. دادن سه ماه فرصت برای تسلیم



دادگاه بین‌المللی مردمی آبان
International People's Tribunal
on Iran Atrocities of November 2019

دادگاه بین‌المللی مردمی آبان، بایکوت جهانی و سرنگونی جمهوری اسلامی



دادگاه بین‌المللی مردمی آبان یک واقعه مهم در فضای سیاسی ایران بود. این دادگاه با تلاش سه نهاد سازمان «عدالت برای ایران»، «حقوق بشر ایران» و «با هم علیه اعدام» بمدت پنج روز از چهارشنبه ۱۹ تا ۲۳ آبان (۱۰ تا ۱۴ نوامبر) برگزار شد. کیفرخواست هیئت دادستانی دادگاه بین‌المللی مردمی آبان ۱۳۳ فرد و مقام جمهوری اسلامی، از جمله خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی به «جنایت علیه بشریت» و «نقض شدید حقوق بشر» متهم و طی پنج روز به اتهامات آنها رسیدگی شد.

میلیونها نفر دقیق دادگاه را از طریق برخی رسانه‌ها از جمله تلویزیون کانال جدید و همچنین از طریق مدیای اجتماعی بطور زنده دنبال کردند. تریبونال مردمی آبان از یکسو با استقبال مردم روبرو شد و از سوی دیگر خشم و عصبانیت حکومت را موجب گردید و به پرت و پلاگویی آنها منجر شد.

با پخش زنده جلسات دادگاه جامعه ایران بطور مستقیم و در ابعادی بزرگ شاهد برگزاری دادگاه بررسی جنایات سران، کارگزاران و عاملان کشتار آبان شد. تریبونال آبان تصویری از آینده و پیش‌درآمدی از دادگاه‌هایی است که در آینده و پس از سرنگونی جمهوری اسلامی برای بررسی همه جنایات سردمداران و جنایتکاران حاکم بر ایران تشکیل خواهد شد. مستندات این دادگاه مسیر برگزاری دادگاه‌های آتی را هموار کرد.

جنایات جمهوری اسلامی بیشمار و گسترده است و فقط به جنایات آبان محدود نیست. اما دادگاه مردمی آبان از زبان ۱۳۵ نفر از قربانیان، شاکیان، شاهدان و معترضین جنایات آبان به صورت حضوری و مجازی، با ارائه مستندات و مدارک محکم، جنایات جمهوری اسلامی در خیزش آبان را ثبت کرد. این گامی مهم برای تعقیب قضایی متهمان و زیر فشار قرار دادن جمهوری اسلامی در ابعاد بین‌المللی است.

برگزاری دادگاه آبان تریبونال در ادامه دادگاه عالی انتاریو که به پرونده سرنگونی هواپیمای اوکراینی رسیدگی کرد، دادگاه ایران تریبونال که در سال ۱۳۹۱ برگزار شد و دادگاه حمید نوری که در سوئد در جریان است نه فقط دستاوردی برای جنبش دادخواهی مردم بلکه زمینه ساز فشار بین‌المللی به جمهوری اسلامی و بایکوت جهانی آن است. مردم ایران، فعالین سیاسی و احزاب و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون میتوانند از شرایط مساعدتری که در پی برگزاری این دادگاهها برگزار شده است استفاده کنند و دولت‌ها و نهادها و سازمانهای جهانی را برای بایکوت جمهوری اسلامی تحت فشار قرار دهند.

جمهوری اسلامی باید بخاطر جنایاتی که مرتکب شده است و از جمله به استناد تریبونال آبان از همه مجامع جهانی اخراج گردد. دولت‌ها باید روابط دیپلماتیک، فرهنگی و ورزشی خود با جمهوری اسلامی را قطع کنند. بایکوت جهانی جمهوری اسلامی گامی مهم در جهت به زیر کشیدن آن توسط جنبش انقلابی مردم ایران است.

پیش بسوی بایکوت جهانی جمهوری اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ آبان ۱۴۰۰، ۱۶ نوامبر ۲۰۲۱

دادگاه آبان به زبان تصویر

و این موضوع از حاشیه به متن دادگاه رفت و توجه رسانه های حاضر را نیز بخود جلب کرد.

پاولوس از اعضای تیم دادستان دادگاه موافقت کرد و از شهود در مورد کودکان آبان سوال کرد

او با اعضای تیم دادستانی در مورد اهمیت طرح این مساله در دادگاه نیز صحبت کرد. ویرجینا

رسیدند. این پوستر را رضا رشیدی در دادگاه آبان بالا برد و توجه همه را بخود جلب کرد.

پوستری از کودکان آبان، کودکان و نوجوانانی که در آبان ۹۸ در خیابان ها به قتل



بیانیه شورای بازنشستگان به مناسبت دومین سالگرد آبان خونین!

شرایط اجتماعی همچنان وخیمتر و اعتراضات گسترده تر میشود!

دو سال قبل در چنین روزهایی، توده مردم با اعتراضات چشمگیر در نپذیرفتن وضع موجود و جهمی که معلوم بود با افزایش سه برابری قیمت سوخت گریبان جامعه را خواهد گرفت به خیابانها و میدان آمدند که بگویند این وضعیت برای ما قابل قبول نیست و باید تغییر کند.

آنچه در آبان بجلو آمد امتداد مقاومت ها و دهه ها جدال در برابر گسترش بیرحمانه ترین استثمار، بردگی مزدی، فقر، بیحقوقی و تبعیض های جنسیتی و غارتگری ثروت اجتماعی مان و علیه آوار شدن همه مصائب و تبعات یک بربریت سرمایه داری و بحران های فروپاشی اقتصادی و بیکاری بر زندگی مان بود.

آبان، میدان تعیین کننده ای از صف آرائی طبقات و امتداد کشمکش های اعتراضی و اعتصابات کارگران در هفت تپه و فولاد، هپکو و صنایع نفت و پتروشیمی، و همچنین اعتراضات معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کولبران، دانشجویان و مالباختگان و لشکر بیکاران و نقطه ی سرریز شدن خشم و نفرت انباشته آنان علیه این بربریت در قامت انسانی ست که هزار باره حق داشته و داریم به دفاع از منفعت های انسانی و بقاء مان قدعلم کنیم. چرا که از همه تولیدات، امکانات جامعه و نعماتی که حاصل دسترنج مان است و از همه منابع و زمین و دریا و هر ثروت انباشته این جامعه، بهره ای نمی بریم.

مردم سهم شان از زندگی را میخواستند که در یک یورش نابرابر، بر قامت شان خون پاشیدند. با قطع اینترنت و برقراری جوی شدت امنیتی پلیسی فضا را تاریک کرده و یکی از خونین ترین سرکوب های تاریخ معاصر این مملکت را رقم زدند که همچنان ادامه دارد و آبان هنوز زیر تیغ دوران سنگین پسا سرکوب است.

آنچه اتفاق افتاد، زخمی عمیق و تاریخی بر پیکره جامعه بود اما جامعه مرعوب نشد. روح و انگیزه آبان در اعتراضات و اعتصابات دو سال اخیر در ادامه مبارزات کارگران هفت تپه، کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی، یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان، فریاد مردم خوزستان از بی آبی و حمایت های گسترده جامعه از آنان، همچنین تجمعات اعتراضی بیسابقه کارگری و اخیرا کارگران کارخانجات ایرانخودرو، اعتراضات مکرر کشاورزان اصفهان و حضور یکپارچه و سراسری معلمان، در کنار دادخواهی مصمم خانواده های کشته شدگان علیرغم تهدیدها و بازداشتها با ابعادی وسیع تر تجلی و ادامه یافت.

سرکوب آبان ۹۸ و ادامه آن گرچه برای مرعوب کردن مردم شکل گرفت ولی خشم عمومی و انگیزه و اشتیاق برای تعیین تکلیف و تغییر بنیادی جامعه با قوت بیشتری ادامه دارد.

شورای بازنشستگان ایران
۲۳ آبان ۱۴۰۰

ماجرای "حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی" و گرانیهای بیشتر



محمد شکوهی

رسانه های حکومتی هفته گذشته گزارش دادند که دولت رئیسی قصد حذف "دلار ۴۲۰۰ تومانی" کالاهای اساسی را داشته و لایحه‌ای در این رابطه به مجلس ارائه کرده است. در تازه ترین خبر پیرامون مباحث حکومتی حذف ارز دولتی، این هفته مجلس رژیم اعلام کرد که بررسی این لایحه را بدون فوریت در روزهای آینده در دستور خواهد گذاشت. همزمان کشمکش و دعوای مخالفان و موافقان حذف ارز دولتی ادامه دارد. دولت رئیسی در واکنش به مباحث باندهای دیگر حکومت و برای جلب رضایت آنها گفته است باید "تدابیر" دیگری را همزمان برای جبران اثرات منفی حذف ارز دولتی و گرانی کالاهای اساسی اندیشید.

اقتصاددانان دولتی ضمن اعلام خطر در باره اثرات و تبعات حذف ارز دولتی، مشغول تدوین طرح و نقشه برای پیشبرد این سیاست ارزی حکومت هستند. برخی موضوع پرداخت یارانه نقدی و افزایش آن در قبال حذف ارز دولتی را ارائه داده، برخی دیگر موضوع روی میز گذاشتن طرح هدفمندی یارانه ها، و بحث کسب درآمد برای دولت برای جبران کسری بودجه را طرح کرده اند. بخش هایی از نمایندگان مجلس که حامی این طرح ها هستند، موضوع گنجاندن دلار ۲۳ هزار تومانی در بودجه سال آینده را پیشنهاد داده اند.

لازم به توضیح است سازمان برنامه و بودجه مدتی پیش در دفاع از ارز دولتی و ارائه آن برای فروش در بازار ارزی نیما و صرافی های حکومت رسماً

اعلام کرده بود: "که چون ما ریال نداریم مجبور هستیم این ارز را گران تر بفروشیم و با ریال آن، دیون دولت را بپردازیم".

همزمان دولت رئیسی مجدداً بر ضرورت تامین منابع مالی و ریالی کسر بودجه تاکید کرده و موضوع کسب درآمد از محل فروش ارزهای خارجی را سیاست رسمی اش اعلام نموده و خواستار تدقیق فوری بندهای مربوط به محل های کسب درآمد برای دولت در بودجه و درآمد زایی برای جبران کسری بودجه سال جاری شده است. اما ماجرای حذف ارز دولتی از چه قرار است؟

باندهای دولتی که موافق حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی هستند، استدلال می کنند که ارز دولتی تأثیری در کاهش قیمت کالاهای اساسی نداشته و باعث رانت شده و قیمتها هم در بازار آزاد که متأثر از قیمت ارزهای خارجی در بازار آزاد است، افزایش یافته است در نتیجه بگذاریم قیمتها خودشان با سیاستهای جدید عرضه و تقاضا در بازار به نقطه "تعادل قیمتی" برسند. مخالفان حذف ارز دولتی می گویند دولت برای تامین درآمدهای ریالی برای پرداخت هزینه های جاری چاره ای جز فروش چند نرخ ارز ندارد. اینها خواهان ادامه سیاست ارز چند نرخ هستند. سیاستی که درآمدهای افسانه ای با رانت و قاچاق ارز و کالا نصیب باندهای حکومت کرده است و متقابلاً گرانی های باز هم بیشتر کالاهای اساسی را موجب شده است.

پشت کشمکش های جاری بین موافقان و مخالفان حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، تلاش های گسترده مافیای عظیم دزدی و قاچاق ارز و کالا، و ادامه کاری و تضمین درآمدهای افسانه ای و دزدیهای نهادینه شده در کل سیستم حکومت قرار دارد که هر کدام درصدد چپاول و غارت بیشتر، تضمین درآمدهای افسانه ای و تحمیل

گرانی های باز هم بیشتر بر کرده مردم از قبل سیاست های ارزی جاری جمهوری اسلامی می باشند.

جمهوری اسلامی مدتهاست سیاست چند نرخي کردن ارز را در پیش گرفته است. بر اساس مصوبه های دولت و تأیید مجلس و شورای نگهبان از سال ۹۷ ارز چند نرخي؛ به عنوان سیاست رسمی ارزی حکومت برای تامین هزینه های ریالی دولت به اجرا گذاشته است. بر اساس این مصوبه ها ارز چند نرخي شد. ارز دولتی، ارز نیمايي و ارز آزاد. اساس این سیاست کسب درآمد برای دولت از قبل فروش ارزهای خارجی است.

دولت مدعی است منبع تامین ارز ۴۲۰۰ تومانی؛ درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز می باشد. واز محل این درآمدهای سالانه بین ۵ تا ۷ میلیارد دلار را در قالب ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی اختصاص داده و مدعی شده که بدین وسیله جلوی گرانی واردات کالاهای اساسی و فشار گرانی بر مردم را کاهش داده است. اما این سیاست نه تنها جلوی گرانی های افسار گسیخته کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم را نگرفته، بلکه باعث افزایش چند برابری گرانی ها؛ بویژه با افزایش روزانه قیمت دلار در بازار آزاد شده و قیمتها پا به پای این افزایش قیمت ارزها، بالا رفته است. نتیجه اتخاذ این سیاست افزایش سرسام آور گرانی همه کالاهای اساسی؛ بین ۵۰ تا ۲۰۰ درصدی و کاهش ۸۰ درصدی قدرت خرید اکثریت مردم بوده است. ارز دولتی در عین حال فرصت مناسبی برای باندهای دزد و قاچاقچی حکومت فراهم آورد تا با رانت خواری دلار ۴۲۰۰ تومانی را بگیرند و به قیمت چند برابر در بازار به فروش برسانند.

شیوه و عملکرد دولت و دست اندرکاران واردات کالای های اساسی بطور خلاصه چنین

است. واردکنندگان کالاهای اساسی که همگی از باندهای حکومتی هستند، ارز ۴۲۰۰ تومانی را از دولت به بهانه واردات کالاهای اساسی دریافت کرده، کالاهایی را وارد کرده و بعد با توسل به اینکه قیمت دلار در بازار آزاد بالا رفته اینها هم قیمت کالاهای وارداتی با ارز دولتی را بالا می برند.

بخش دیگر وارد کنندگان، کالایی وارد نکرده چون سودآور نیست و ارزهای دولتی دریافتی را در بازار آزاد ارز به قیمت های بالا و گران میفروشند و درآمدهای صدها میلیارد تومانی دائماً به جیب می زنند. اینها آگاهانه و عمدتاً قیمت ارزهای خارجی بویژه دلار را بالا می برند و با وقاحت ادعا می کنند، "بازار ارز را مدیریت" می کنند تا قیمت ارزهای خارجی بویژه دلار بالاتر نرود! در این میان همه مردم هم می دانند که این دروغی بیش نبوده و دولت و سیاستهای ارزی اش عامل اصلی همه گرانی ها است. این دو وجه یک سیاست ارزی حکومت است که در اساس برای کسب درآمد های ریالی برای دولت و آفازاده ها بنا شده است. طبق اعلام سامانه ارزی نیما و بانک مرکزی حکومت، روزانه بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون دلار ارز در بازار خرید و فروش میشود. بازار ارز، از بازار آزاد گرفته تا صرافی های ملی وابسته به بانک مرکزی؛ عرضه کنندگان، فروشندگان و قیمت گذاران ارز به قیمت های جاری در بازار آزاد هستند. اینها با یک حساب سرانگشتی روزانه میلیاردها تومان سود به جیب می زنند.

اثرات و تبعات گرانی دلار زندگی و معیشت مردم را بشدت زیر فشار قرار داده است. گرانی دلار و سایر ارزهای خارجی اثرات فوری و بخشا روزانه بر گرانی کالاهای اساسی و مایحتاج مورد مصرف عموم مردم دارد. دستمزدها و حقوق های

کارگران که به ریال می باشد، در مقابل این افزایش گرانی ها ذوب میشود. بیش از ۵۰ درصد کارگران مجبور به زندگی زیر خط فقر رسمی اعلام شده می باشند. بیش از ۳۰ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق قرار دارند. اثرات و تبعات این سیاست بر معیشت و گذران مردم بسیار مخرب و ویرانگر است. تامین معاش و برخورداری از حداقل تغذیه و تامین خوراک و مسکن و.. برای مردم به یک کابوس جدی تبدیل شده است. کاهش قدرت خرید کارگران و مردم، یک نتیجه بلا فصلش حذف اقلام کالاها و مواد غذایی لازم و ضروری برای ادامه حیات از سید غذایی شان شده است. به اعتراف برخی نهادهای حکومتی افزایش قیمت دلار باعث افزایش بیش از ۸۰ درصدی قیمت دهها قلم کالاهای اساسی مورد مصرف مردم شده است. گوشت، مواد غذایی پروتئین دار، بخشا میوه از سفره بخش اعظم کارگران و مردم حذف شده. دستمزدها به زور کفاف هزینه ۱۰ روز را می کنند.

جمهوری اسلامی و سیاستهای پولی و ارزی اش یک عامل اصلی افزایش قیمت دلار و سایر ارزهای خارجی، و به طریق اولی عامل اصلی افزایش هر روزه قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز مردم است. فروش ارز و کسب درآمد برای تامین هزینه های جاری دم و دستگاه عریض و طویل حکومت، در کنار تضمین دزدیهای قاچاقچیان حکومتی، تحمیل گرانی های بازهم بیشتر بر کرده مردم می باشد. دولت رئیسی، نظیر دولتهای روحانی و احمدی نژاد و... اساساً کل حکومت جمهوری اسلامی دولت قاچاقچیان ارز و کالا، حکومت دزدان و آدمکشان، دولت تحمیل گرانی، فقر و فلاکت بیشتر بر کرده مردم ایران است.



دستگیری و محکومیت نرگس محمدی به ۳۰ ماه زندان و ۸۰ ضربه شلاق را شدیداً محکوم میکنیم.

نرگس محمدی سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر است و پس از شرکت در مراسم سالگرد ابراهیم کتابدار دستگیر و با ضرب و شتم به زندان اوین منتقل شد. گفته میشود که پس از آنکه نرگس محمدی در تماس تلفنی گفت که اجازه نمی‌دهد او را شلاق بزنند و در برابر حکم شلاق مقاومت می‌کند، تماس تلفنی او قطع شده است.

جرم نرگس محمدی حضور در مراسم سالگرد یکی از جانباختگان آبان است. حکومت و حکومتیان از همه چیز وحشت دارند. کابوس آبان آنها را رها نمیکند. حضور خانواده یا دوستان و یا فعالین در مراسم جانباختگان جرم تلقی میشود اما روزی نیست که مراسمی برگزار نشود و حکومت توان مقابله با آنها و دستگیری خانواده‌ها را ندارد. دیگر دهه شصت نیست، دوره تعرض مردم به حکومت و توده‌ای شدن خواست محاکمه سران حکومت است.

جمهوری اسلامی چاره‌ای جز سرنگونی ندارد!

حمید صداقت

نداشته و ندارد. جامعه‌ی مدرن انسانگرا و آزادیخواه و برابری طلب این کشور، جامعه‌ی مخالف خرافه تبعیض عقب ماندگی و تحجرواستثمار، به چیزی کمتر از آزادی، برابری و جامعه‌ی انسانی رضایت نمیدهد. این جنگ دیر یا زود باید بنفع مردم، تمام شود. انقلاب ایران انقلابی برای آزادی و برابری و انسانیت و سکولاریسم است. مضمون این انقلاب اساساً جامعه‌گرایی و سوسیالیسم و فرم آن حکومت شورایی است. بنابراین پر واضح است که جامعه در مقابل این توحش و بربریت طبقات حاکم بورژوا که اسلامی‌ها را حاکم بر مقدرات مردم کرده‌اند آلترناتیو انسانی و مدرن و سکولار خود را دارد. جمهوری شوراهای و اداره شورایی جامعه با سیاست اقتصادی اجتماعی کردن تولید و امور اقتصادی جامعه پاسخ انسانی و متمدنانه به این توحش و ارتجاع بورژوایی و اسلام سیاسی است.

زنده باد آزادی برابری حکومت انسانی!

۱۷ نوامبر ۲۰۲۱

بر فراز تهران در هجدهم دی ماه ۱۳۹۸ و دادخواهی فعالین محیط زیست و ... اعتراضات کشاورزان، مالباختگان، معلمین، و سایر اقشار مردم گویای تحولی جدی و اساسی در تناسب قوای طبقاتی میان مردم با حکومت در گام نخست و میان کارگران و محرومین از یک طرف، در مقابل بورژواها و صاحبان امتیازات طبقاتی اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر در جامعه است. این مبارزه در عرصه‌های مختلفی روبه گسترش است. با توجه به ضعف‌ها و درماندگی جمهوری اسلامی در سطح داخلی منطقه‌ای و جهانی می‌توان انتظار روزها و ایام پر از تحول و دگرگونی در آینده را پیش رو داشت.

پر واضح است که جامعه‌ی ایران آماده رویارویی با حکومت اسلامی و سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود که در مواجهه با مردم جز زبان زور تحقیر سرکوب اعدام شکنجه استثمار و بهره‌کشی، و محرومیت دادن به مردم؛ زبان و روش دیگری سراغ

برای ایجاد تشکلات مستقل کارگری و بسط و تعمیم شورا مجمع عمومی و اداره شورایی به جامعه به عنوان آلترناتیو حکومت غارت و چپاول اسلامی بوده‌ایم. جنبش زنان نیز در این فاصله دستخوش تغییرات کمی و کیفی، جهش مبارزاتی وسیعی شده است. حجاب از سر بر گرفتن زنان، حجاب راسر چوب کردن زنان، حجاب سوزاندن و پافشاری بر خواسته‌های انقلابی رادیکال از جانب زنان دستاورد بزرگ مبارزات زنان در این دوره بوده است. علاوه بر این زنان پیشتاز مبارزه در هر شکل و جلوه‌ای علیه جمهوری اسلامی بوده‌اند. علاوه بر این سایر جنبشهای اجتماعی سیاسی صنفی و مدنی نیز دستخوش تغییرات جدی اساسی و متفاوتی شده‌اند. جنبش دادخواهی، بخصوص دادخواهی از آمرین و عاملین کشتارهای فجیع دهه‌ی شصت و دادخواهی خانواده‌های کشته‌شدگان آبان و دادخواهی قربانیان شلیک عامدانه دو موشک سپاه پاسداران به هوایم‌های اوکراینی مملو از مسافرین راهی کانادا

بسط دایره نفوذ اسلام سیاسی را وسیله سهم خواهی بیشتر و تثبیت قدرت و حاکمیت خود قرار دهد. کما اینکه برای سالها هر جنایتی که کرد از مصونیت و حمایت ضمنی پیدا و پنهان برخی کشورهای غربی برخوردار بود. مردمی که دهها سال آماج تعرض اسلام سیاسی و حکومت اسلامی بودند امروز بیش از هر زمانی خود را در تنگنای بیشتر و در این حال خود را در موقعیت قدرتمندتر و جسورتری در مقابل رژیم و در مواجهه با اسلام سیاسی و منافع غارتگرانی که پشت سنگر اسلام سیاسی موضع گرفته‌اند و منافع خود را پیش می‌برند می‌بینند.

دی ماه ۹۶ مرداد ۹۷ و آبان ۹۸ و دی ۹۸ گویای تغییرات کیفی متفاوت مبارزات مردم در رویارویی با رژیم اسلامی و در تلاش برای سرنگونی حکومت بوده است. در فاصله میان دی ۹۶ تا امروز شاهد گسترده‌ترین اعتراضات کارگری، اعتصابات و تظاهرات‌های کارگری بر سر حقوق اقتصادی اجتماعی و سیاسی، در تلاش و مبارزه

جمهوری اسلامی در بحران آخر گیر افتاده است. نه راه پس دارد و نه راه پیش! این از آن بحران‌هایی است که وجودش مقدمه و پیش‌بند سرنگونی حکومت است. جمهوری اسلامی بدون برنامه، بدون سیاستی روشن برای اداره امور، تنها با وظیفه سرکوب انقلاب و نارضایتی‌ها به صحنه آمد تا انقلاب مردم را تحت نام انقلاب در هم بکوبد. جمهوری اسلامی چهل و دو سال کوبید زد و کشت و تلاش کرد تا جامعه‌ی قرن بیست و یکم ایران را به زور اسلحه‌ی برادران حزب الله و سپاهی‌ها و بسیجی‌ها اسلامیزه کند. جامعه مقاومت کرد و به انحاء مختلف در مقابل زورگویی‌ها تسلیم نشد. جمهوری اسلامی تلاش کرد تا از این کشور و با تکیه به منابع و درآمدهای سرسام آور غنی و ثروتمند و سرشار از منابع معدنی، سوخت‌های فسیلی و ... به رهبر و سلسله جنبان جنبش اسلام سیاسی در خاورمیانه، شمال آفریقا و جهان تبدیل شود. این نفوذ و

پیامهایی از ایران به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری

یک زن خانه دار هستم

من یک زن خانه دار هستم. هیچ کجا صدای من شنیده نمیشود. برادر من شکر به دادگاه رجوع کردم. ده سال مرا سر دواندند و آخراً سر با کله ضرر و زیان پرونده ام را بستند. برایم پایوش هم درست کردند. زمینم را از دستم در آوردند و بد هقار شاخ هم شدم. زنانه را که برادر طلاق به دادگاه رجوع میکنند کسر صدایشان را نشنیده است. در قوانین جمهور اسلام برادر هیچ انسانی نیست. این پیام من و همسر من به کنگره حزب کمونیست کارگری است. شما صدای ما باشید. همسر من دوازده سال است که در یک شرکت کار میکند. از آنجا که قرارداد است، اجازه هیچگونه اعتراض ندارد و همیشه سایه اضراج بالا سرش است. همسرمان راننده ماشین سنگین است و مثل کارگر ساده دستزد میگیرد. گرانبه بر صدر که به ما تحصیل شده توانم را بریده است. این چه زندگی است که نصیب ما شده؟! شما دادخواه ما باشید. این کنگره باید بتواند حق خواه من و همسر من باشد. برای ما کنگره موفق ارزو داریم.

شیدا و اکبر فرزند

در پی اشاعه فرهنگ انسانیت و انسان دوستی

درود به تمام راهیان راه آزادی

شروع کنگره ۱۲ را تبریک میگویم. امیدوارم کنگره ۱۳ را در ایران برگزینیم

در این برهه از تاریخ، خوشبختانه بسیار از جوانان و مردم، در پی آزادی و نجات کشور هستند. به نظر من، هر کس در هر مکان میتواند با فعالیت ولو کوچک، سهم در پیشبرد اهداف جامعه داشته باشد. من بعنوان کسری که در این شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی در کشور عزیزمان زندگی میکنم، مفتخرم که بگویم بسیار از جوانان ما در پی اشاعه فرهنگ انسانیت و انسان دوستی هستند. و این مهم، جز به مرد آگاه و تعلیم شما امکانپذیر نیست.

بسیار از امید و شعله و تمام عزیزان که در این امر یارگر ما جوانان هستند.

مریم صرر

از راهروهای دادگاه‌های خانواده سخن می‌گوییم

سلام رفقا رانازنینم

زهرا صفایر هستم عضو حزب کمونیست کارگر ایران

مقدمتاً به کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگر ایران گلباران

زنی هستم از داخل ایران و با شما از راهروهای دادگاه‌های خانواده سخن می‌گوییم. از کسانی که با پاهای خسته، نفس‌نفس‌زنان راه پله‌های دادگاه را از لایح‌الطلاق به لایح‌التامق، بالا و پایین می‌روند و فرم‌ها را در فرم‌های طلاق و عریضه و درخواست‌ها پر می‌کنند. از چشم‌پوشی‌ها که به دهان منشرها که وقت دادگاه را چندماه و چندسال کمتر دهند.

از گوشه‌های منتظر به حکم قاضی‌ها می‌نویسم که فرزند را به برحق تمام و کمال و مجرم و مقصر بودن زنانه گذاشته‌اند و فراموش کرده‌اند: دهان‌ها بسته!؛ که لگه شوهرت دست بزخ‌دلاره، معتاده و شکنجه است می‌کنند، به زخ‌دیگ گرفته، شکاک و سادیسته، نمی‌گذارد کار کنی، در سر زنی، سفر بری، نفس‌بکشی، یا حتی لگه لاسید به صورتت پاشیده و نصف صورتت زوب شده، برو بساز! خلاص و راه نجاتی در کار نیست. بغاظر اینک حق طلاق را به مردان بعنوان مجری لایح‌خسونت‌ها داده ایم!

و حالا اگر بخت گرفتن طلاق با زنانه هم یار باشد که تملیخ زیاد است، و شانسی‌ها و بی‌اورند در پیوسته ر طاق‌فرسار دادگاه‌ها کارشان به شوهر کس و خود کس نشود، جنگ اصلی بر سر دست آوردن پاره‌های تنشان، یعنی حق صفات فرزندانشان شروع می‌شود. لایح‌که لایح راهروها و راه پله‌ها چه حکایت‌ها که ندارند.

از شکایت‌ها بر سر انجام می‌گوییم. از تجاوزها و تعرض‌ها جنس در محل کار بگیر تا مدرسه و دانشگاه و کوه و خیابان و حتی خانواده، از تباه شدن عمر و زندگی، از دهان‌های که جمهوری اسلامی زخ‌کثرت با لایح‌قولانین خانواده و ضد زخ‌بست با شما می‌گوییم!

اما رفقا بگذارید براتون از شهر به شهر و خیابون به خیابون و محله به محله در سراسر ایران هم بنویسم. وقت که برابر رفواهر و فرم‌هاست زندگی انسان، فرم‌هاست یک دنیا بهتر چراغ راهمون شد، پاهای خسته ما هم جان گرفت. وقت که برنامه راه را پیدا کردیم، قوت گرفتیم و راه افتادیم. همون چشم‌ها که روزی نظاره گر بود، دیگه فقط نگاه نمی‌کرد، سوگرفت، مسیر را دید. چون جزئی‌تر را پیدا کرد. چنین شد که گوشه‌ها هم تیز شد و فریادها بر آمده از دهان‌ها بسته از گوشه گوشه مملکت رو شنید و شروع کرد دست‌ها رو با کمپین‌ها و

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۱۵

کارزارها مطالبات و امضاها تو دست هم گذاشتی. و امروز با رضایت از سال تلاش و اتقا به حزب براتون میگم:

ایخ پاه و چسما و گوشها و دهان‌ها یقین دارند که همپا و همراه حزب‌شان با پرچم "یک دنیا بهتر" جمهوری اسلامی را سرنگون میکنند و جامعه را میسازند که اساساً ناسخ است!

آره رفقا قرارمون میدون آرزو در تهر ان

زنده باد حزب کمونیست کارگر ایران

زنده باد حمید تقوایر

یک درجه دار ارتش هشتم

به کنگره حزب کمونیست کارگر

با توجه به اینکه بدنه ارتش را قشر معروم و ضعیف جامعه ایران تشکیل میدهد، از حزب انتظار می‌رود حمایت‌ها را خود را در راستای مبارزه بر علیه بیداد سران ارتش و فساد موجود در سازمان آبخ هر چه بیشتر آشکار نماید. هر چند با وجود سرکوب و خفقان که در پادگان‌ها هست نمیتوان انتظار زیاد را از پرسنل داشت. با این وجود لازم است راه‌های برابر شناخت و تبلیغ در اختیار این قشر قرار گیرد تا بتواند به مبارزه ادامه دهد.

وضعیت پادگان‌ها بسیار وحشتناک است. از پرسنل کادر شروع میکنم. خط فقر در جامعه امروز ۱۲ میلیون تومان است اما میانگین حقوق دریافتی پرسنل ۶ الی ۷ میلیون تومان است. بدلیل تبعیضی‌ها و ترس بازو فساد فرماندهان رده بالا، امتیازات از قبیل واگزار مسکن و زمین و پرداخت وام به بدنه ارتش که شامل افسران جزو درجه داران است، تعلق نمیگیرد. از لحاظ جیره غذایر به بهانه تحریم‌ها، دسر و مضافات مربوط به وعده‌ها غذایر سر باز از چند سال است که به طور کلی حذف شده است و بودجه آبخ به جیب مقامات بالا ارتش می‌رود.

۹۰ درصد پرسنل جهت امرار معاش و گذران زندگی به شغل دوم از قبیل مسافر کشی و کار در بنگاه‌ها و معاملات املاک و یا کار در زمین‌ها و کشاورزی و غیره متوسل شده اند. سازمان موقوف اطلاعات را برابر کنترل کادر و سر باز از درست کرده اند تا هر گونه ابراز نارضايتی و انتقاد را سرکوب کنند. سر باز هم

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۱۶

اجبار است. اکثریت سربازان که آشنا و پارتنر ندارند، بشدت مورد ظلم و ستم قرار دارند.

با توجه به این اوصاف، بدنه ارتش اکثریاً تماماً بشدت ناراضع اند و افکار رادیکال را تسری داده و مر پذیرند. تقاضا میکنم حزب کمونیست کارگر در تلویزیون کانال جدید و سایر ابزار تبلیغی اش بیشتر در مورد آنها صحبت کند.

برادر کنگره حزب آرزو موفقیت مرکنم

یک درجه دلار ارتش

من یک پرستارم

من یک پرستارم. در جنگ با بیمار مرگ کرونا و با حکومتی که خرید واکسن کرونا را با فتوا منع کرد. در این جنگ همکاران عزیز را از دست داریم. همه ما مردم میدانیم که حکومت اسلام مسئول مستقیم کشتار جمعی بفاطر روح‌الله امیدمر کرونا است. ما مردم، بویژه ما پرستاران دادخواهیم.

دوستان ما پرستاران، هم جانمان در خطر است و هم دغدغه معاش داریم. در محل کار بدون هیچ تجهیزات و بدون اجراء ایمنی پروتکل‌ها سازمان جهانشکار، بفاطر نجات جان انسانها، با جان و دل کار میکنیم. و نه فقط با خطر مبتلا شدن به کرونا بلکه در معرله انواع و اقسام دیگر بیماریها خطرناک قرار داریم. در همان حال مشکل معیشت هم داریم. حتر خیبر لازما در استخدام نیستیم و امنیت شغل نداریم و بدتر از آنج باید مرتباً دنبال حقوق پرداخت نشده خود برویم. فشار کار هم طاقت فرسا است. پرستار استخدام نمیکند. بصورت شرکت ما را استخدام میکنند و زور میگویند. خوشحالیم که جزیره هست که صدراعترانهریج و ما نود و نه در صدها است. از همین رو میفولاهم عضو حزب باشیم. ما به عضویت حزب پذیرید. از کنگره انتظار داریم که صدراعترانهر ما را در جامعه انعقاد دهد. جنایتی که بفاطر کرونا شده است، یک فاجعه است و باید به گوش جهانیاخ رساند. یک دنیا بهتر چه اسم گویایر بر این آرزوها ما مردم است. ما اعضا یک دنیا بهتر هستیم.

صفیه راستگو

من یک کشاورز از اصفهان هستم

شنیدم کنگره حزب برگزار میشود. به عنوان یک کشاورز از اصفهان خواستم از دردهایمخ برایمخ بنویسم. خشک شدن رودخانه زندگرا کشاورزان را به نابودرکشانده و زمینر برادرکشک باقرنگذاشته است. زاینده رود، کارون، ارومیه و هامون هم خشک شده اند و مصیبت هایتردامتگرماکشاورزان و ما مردم شده است. در عین حال ما با مافیاردلانج روبرویم که کشک ما را از لانج میفرند و دو لاپهنا در بازار میفروشند. دلانج آنقدر بیرحم هستند که اول کشک دلار و دسته هار خود را میفرند و در نتیجه کشک خیدر از ماکشاورزان آنقدر رورزمینج مرماند که بعضا خراب شده و غیر قابل استفاده میشود. از آنطرف هم با کودهار شیمیایر بدوخ کیفیت و سمرزمینها را نابود و مصیط زریست را مسموم کرده اند.

اینج وضعیت دودشربه چشم مردم نیز میرود. مردم اجناسرا به قیمت گرانج میفرند و هیچ اطمینانر به سلامت آنها نیست. بعلاوه، آلودگرزمینج و هوا بدلیل خشک شدن آبها و استفاده از کودهار مسموم تبعات بدربرادر سلامت هم ما دارد. ماکشاورزان در اصفهان در اعترانهر به اینج وضعیت بیتر از یک هفته است که در خیابانیم و چادر زده و بست نشستیم و خوشبختانه مردم هم ما را حمایت میکنند.

در عین حال مر بینیم که همکارانج کشاورز ما در فوزستانج هم همدرد ما هستند و اعتراضات بسیاررر سر همینج مشکلات داشته اند و اینها درد مشترک همه ما است. همه ما میدانیم مقصر اینج اوضاع حکومت سرمایه دلار مافیایر جمهورر اسلام است که چپاولگر رشاج حد و مرز ندارد. اینها چپاول میکنند و بعد سحر میکنند بینج ما تفرقه بیندازند و بگویند آتب کارونج به اصفهان رفته و آتب اصفهانج به قم. ولر ما باور نداریم و نباید بگذاریم اینج تبلیغات توطئه گرانه زره لاردر صف متحد اعترانهر ما تاثیر داشته باشد.

دوستانج مشکلات بسیار است. بحث بر سر نابودرزمینج، هوا، آتب و زندگر و کار است. از کنگره حزب کمونیست کارگر انتظار داریم که بر حمایت وسیع از ما و از مبارزات ما تاکید بگذارد. از حزب و از کانال جدید انتظار داریم که در اینج ابعاد به موضوع نگاه کرده و صدرا ما را هر چه راستر انعکاسر دهند و برادر ما راهنما باشند. اگر چه همه میدانیم که تنها راه سرنگونر اینج حکومت است و بسر جمهورر اسلام نابود باید گردد.

اینرا هم بگویم که من هنوز عفو حزب نیستم. سوادم هم کم هست ولر قبولتانج دارم و دوستدارتانج هستم و وقتر مطلع شدم کنگره لاردر پیتر است فکر کردم پیامر بدهم و صرفایم را به دوست نزدیکم گفتم و او به نگارشر در آورد. کنگره خوبر داشته باشید.

مهدر کشاورز از اصفهان

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۱۸

کارگر تبعیدی بازنشسته فولاد هستم

من رضا یک فولاد بازنشسته تبعید هستم. اما نُه ساله مبارزه‌ام را هم در شهر که بودم و هم اینجا که تبعیدم کرده‌اند، سرچینیم. با دوستانم اعتراضات خوب را به جلو برده‌ایم. دل نگران نشوید. من هنوز خودم را جزیر نمی‌دانم و لریکانال جدید می‌دانم و به کارگران و یک دنیا ریستر ایماخ دارم. شما ما را در جلو آوردن مطالبات چون افزاینده حقوق‌ها به بالا رخط فقر، در مان رایگان و تحصیل رایگان و اینکه داشتیم مسکن حق پایه‌ای را مست راهنما شدید. بر تاکید بر حق تشکل و داشتن یک زندگانی شایسته راهنما شدید. و بسیار سپاسگزارم. با پیام به کنگره حزب کمونیست کارگر مراتب قدر دانر خود را اعلام می‌کنم.

رضا فولاد

من کارگر معدن هستم و بیننده کانال جدید

من کارگر معدن هستم و بیننده کانال جدید. قبلا عضو شوراه اسلام بودم. اما الان دیگر نیستم. فکر می‌کردم میشود از آنج پوشر فرصت برار جمع کردن کارگران و پیگیری خواسته‌هایمان بدست بیآورم. و لریدم اینجا فاسدند و سوم حکومت در جنبش کارگر هستند. البته مضرر نماند که از حرف‌های شما بسیار الهام گرفتم و الان مرید اداره شورایر نیشکر هفت تپه هستم و جواب را در مجمع عموم خود کارگران یافتیم. از همین جهت در مبارزات این دوره با اعتبار که داشتیم مرتبا مجمع برگزار کردیم و نتایج خوب هم گرفتیم. الان کارگران بیشتر خودشان را پیدا کرده‌اند.

من باورهای اسلام دارم. خانم دانشفر یادکاست‌های برلیم فرستاد در مورد کمونیسم و مذهب و موضوعات مختلف. آنقدر معتاد این یادکاست‌ها شدم که در ساعت کارم همراه با کار کردن آنها را گوش می‌کردم و دیگر زشتی معدن از ذهنم دور شده بود. بحث‌ها را جالب بود. فهم و عقده‌ها را از سر ما به دلار و ستم‌های بازگو می‌کرد. اما این مذهب لعنت آنقدر در مان‌ها رینه شده که با وجود قبول صحبت‌ها را آقا نیکفول‌ها هنوز نمیتوانم از خداوند عالم طلاق بگیرم. و خلاصه مولان این چنین زیاد هست تا عضو حزب شوم. و لری باور کنید در عمل من از صد تا عضو دیگر همه تن حریف ترم. به من گفته شد کنگره حزب است و این حزب است که کانال جدید یادکاست است. من هم با هر سندر گفتم پیامم بد هم و از همه شما سپاسگزار کنم.

یا علر
مهراخ معدن کار

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۱۹

من کارگر شهرداری هستم

من مسیح کارگر شهرداری هستم. من از همکارانم و احمد خوزستان حزب کمونیست کارگر هستم و افتخارم میکنم. کارم جمع کردن زباله‌ها در شهر است. کار من از واجبات جامعه است و قدر دو روز اعتصاب میکنم چهره شهر فوراً آکنه‌ناشان میدهد. و در سرمایه‌داران اینک از ما کار بکشند و تا میخ نباشیم این کار را همیشه پست قلمداد کرده. اگر چه خیلی از کارگران شهرداری هستند که دانشگاه رفته‌اند. حتی دوستانم دارم که کارشناسان ارشد را خوانده‌اند.

کار ما سخت و زیان‌آور است. در معرله هر نوع آلودگی قرار داریم. خصوصاً در این ایام بصران بیمارر کشنده کرونا. بدون تجهیزات تورخیابانها مرگردیم و هوا سمان به پاک نگاهداشتن شهر است. و در قراردادهای ما موقت است. ۱۵ سال هم کارکنر باز با پیمانکار طرف حساب هستن. مزدت شتر برابر زیر خط فقر است و با بالا رفتن قیمت‌ها ارزش شراحت کمتر و کمتر میشود. همیشه زیر فشار هستیم که مباردا بچه است تقاضایر کند و نتوانر جواب بدهر. برادر خانم برار بچه ام تلفن هوشمند گرفت که بتواند در سر بفرماند.

چند ماه چند ماه مزد نمیدهند؟ اما آنقدر مصروفیت کشیده ایم که دیگر حتی اگر حقوقمان را هم بموقع بدهند قبول نداریم. فقط و فقط باید اینها گور به گور شوند تا ما آسایند داشته باشیم. البته اعتراضهم زیاد کرده ایم. ما دایم در خیابان هستیم یا مشغول جمع کردن زباله و یا مشغول تجمع و اعتراض و حق خواهی. همکارانم من هم در شهرها مختلف همین وضع را دارند. با اعتراضاتمان نگاه مردم هم به ما عوض شده و شاید برادر همین است که الان به ما میگویند پاکبان!

آب را رو ما قطع کردند. شهر به شهر آمدیم بیرون و داد کشیدیم. گفتند اعتراض کرده است. درست میگویند ما اعتراض نکردیم. ما طغیان نکردیم. ما کارگریم. و به کمتر از رفتن شما رضایت نمیدهیم. ما انسانیم و میفولاهیم مثل انسان زندگرت کنیم.

زنده باد حزب کمونیست کارگر
زنده باد کنگره
مسیح کارگر شهرداری

سرمایه‌داری در ایران ...

در رابطه با بردگر کار و ساعات کار طولانی کارگران، ایمنی معیشت کار و بهداشت کار و کرونا و گسترش جمعیت آبخ

همایونخ در مورد بردگر کار و ساعات کار بر نهایت در معیشت‌ها کار مینویسد: "بردگر کار در معیشت‌ها کار به جای رسیده است که حتی همان حد و مرز هم که قانون کار ضد کارگر حکومت در نظر داشته را زیر پا گذاشته اند. در شرکت‌ها، در ششماه اول سال ۲۰۰ ساعت کار و در ششماه دوم سال ۱۹۲ ساعت از کارگران کار می‌کنند. یعنی در هر ماه ۱۶ ساعت کار اضافه و بدون مزد. این استثمار بر حد و مرز کارگر است. حزب، باید نسبت به این اجحاف و بهره‌کشی آشکار و قانونی کارگران در کنگره و در برنامه‌ها تلویزیونی خود اعتراض کند و توجه نهادها را به این نقض آشکار حقوق کارگر جلب نماید تا کارزار سینه‌الملل را بر اصل این مشکل راه بیندازند.

همایونخ قهرمان در مورد نقض ایمنی و بهداشت معیشت‌ها کار مینویسد: معیشت‌ها کار گسترش کارگران است. بهداشت و ایمنی در معیشت‌ها کار فاصله زیاد را با استاندارد‌ها جهان و منطقه دارد که بسیار اسفبار است. در هر ماه تعدادی از کارگران در اثر نداشتن ایمنی در معیشت‌ها کار جان‌شان را از دست می‌دهند و کارفرمایان به دلیل سودجویی‌ها سیر ناپذیر خود و در پناه حکومت و حشر سرمایه‌دار و باز بودن دست‌ها بر هر نوع چپاول و استثمار بر نهایت هیچگونه شرایط و امکانات را بر کارگران مهیا نمی‌کنند. این امروز مساله جان و سلامت و معیشت میلیون‌ها خانواده‌ها کارگر است. یک نمونه بارز آبخ مرگ فصیح مرضیه طاهریان در کارخانه رسناجر است که در کنار عدم ایمنی معیشت کار، عجب اسلام در معیشت کار او را قربان خود کرد. عجب آنکه از آبخ خون مر چقد. با اعلام تاسف فراوان از درگذشت این زن کارگر و تسلیت به او و به همه مردم از کنگره می‌خواهیم که بر پایا این دلخیز به جنایت در معیشت‌ها کار و این همه ناملان و به بازگرفتن جان و زندگی کارگران تاکید بگذارد. ایمنی معیشت کار حق مسلم و حق حیات کارگران است.

همایونخ قهرمان همچنین در مورد ابعاد فاجعه بار کرونا مینویسد: کرونا در ایران گسترش جمعیت میکند. فتول این جنایت و قتل را همانند اسروداد و سران حکومت ابرایس کردند. کرونا در ایران در عین حال بیشتر از بیشتر کارگران و خانواده‌ها را به نابودی کشانده است. از جمله علاوه بر مرگ بفاطر ابتلا، گرسنگی هم دارد قربان می‌گیرد. بسیار از کارگران از کار بیچار شده اند. مرگ و میر در معیشت‌ها کار بیداد میکند. هزینه‌ها در و در مان نیز و مستنک است. چون خبر از در مان را بیگان نیست. پروتکل‌ها سازمان بهداشت جهان را بکار نمی‌گیرند. کارگر بفاطر گرسنگی ناگزیر از کار است و وقت مبتلا شد دولت و کارفرما هیچ مسئولیتی بر عهده نمی‌گیرند.

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۲۱

از کنگره حزب می‌خواهیم که به این موضع توجه ویژه کند. ضمانت اسو تک تک سرانح حکومت مسئول مستقیم این کشتار جمع‌ر هستند. سرمایه دلار در ایران هر روزه جنایت میکند. کنگره بار دیگر بر حقوق پایه برادر همه مردم تاکید کند. در پایش از کنگره معترم تقاضا داریم این کنگره را با یاد رفیق از دست رفته مان فرار از لادرا آغاز نماید.

همایون قهرمانر

ماعدای از کارگران رشته‌های مختلف ساختمانی و کارگران بیکار هستیم

جامعه ایران آستخ تغییر و تحولات بزرگراست. رهبر این تغییر بزرگ حزب کمونیست کارگرراست. شماها باید به خود بباید که کنگره حزب را برگزار مر کنید که طبقه کارگر و جامعه ایران را نمایندگر مر کند.

ماعدای از کارگران رشته‌ها مختلف ساختمانی و کارگران بیکار مصلات سفر دور هم نشستیم و بسیار خوشحالیم که متعلق به حزب هستیم که دست به ریشه مر برد و نمایندگر تمام آزاریدخواهر و تمام برادرر طبقه در ایران است. این را بدانید که جامعه ایران نیازمند همچون حزبراست و البته مر دانیم که شماها خوب مر دانید که چه کار بزرگرا انجام مر دهید و ما به آخ افتخار مر کنیم.

ما باید قدرت سیاسی را بگیریم و برادر دست آوردن آخ باید بجنیم. ما کار سفر پیرو دریم. کنگره آتاق فرماندهر این جنگ است. فرماندهان تصمیم مر گیرند و برنامه مر ریزند که چگونه بجنگند و جامعه را رهبر کنند. پیشر به سو پیروز را

طبقه کارگر باید پیروز این جنگ باشد تا جامعه را رهبر کند. اگر طبقه کارگر بخواهد پیروز شود باید جامعه را با خود همراه کند. زیرا اساس سوسیالیسم انسان است. ما همراه کنگره حزب هستیم. پیروز باشید!

زننده باد انقلاب انسانر!

زننده باد جامعه انسانر!

جمعر از کارگران لوله کتر ساختمانی

جمعر از کارگران برقکار ساختمانی

جمعر از کارگران نقاشر ساختمانی

جمعر از کارگران بیکار مصلات تپه شافعر کریم آباد و تپه مالان و بردبران سفر

کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری در دسامبر ۲۰۲۱ برگزار خواهد شد!

به اطلاع میرسانیم که کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری از روز سوم تا پنجم ماه دسامبر ۲۰۲۱ (۱۲ تا ۱۴ آذر ۱۴۰۰) به صورت علنی برگزار خواهد شد و بطور زنده از تلویزیون کانال جدید و همینطور پلتفرم های مختلف مدیای اجتماعی پخش خواهد شد.

با توجه به وضعیت ویژه ناشی از بیماری کوید ۱۹ این کنگره به صورت آنلاین برگزار خواهد شد.

کنگره متشکل از نمایندگان منتخب اعضای حزب، بالاترین ارگان سیاستگذاری و مرجع انتخاب کمیته مرکزی حزب است. کنگره بهترین فرصت برای آشنایی با فعالیتها و سیاستها، رهبران و فعالین و مناسبات درونی حزب کمونیست کارگری است.

کنگره دوازدهم هم به روال همیشگی به روی عموم باز خواهد بود و از احزاب، رسانه ها و شخصیت‌های مخالف جمهوری اسلامی و فعالین جنبش های اعتراضی برای حضور در کنگره دعوت به عمل خواهد آمد. از آنجا که کنگره دوازدهم حزب به صورت آنلاین برگزار می شود بیش از همیشه این فرصت برای همه اعضا و دوستان حزب و همه مردم فراهم است تا ناظر و میهمان کنگره دوازدهم حزب باشند. ما همه مردم آزاده را به شرکت در کنگره حزب فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۰، ۶ اکتبر ۲۰۲۱

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hki](https://t.me/wpi_hki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

سهیل عربی آزاد شد



بدون تردید آزادی سهیل عربی برای همه مردم بسیار خوشحال کننده است. به فرنگیس مظلوم عزیز و به کل خانواده سهیل و دوستدارانش تبریک میگویم. و بدون تردید تمامی زندانیان سیاسی را آزاد خواهیم کرد. زنده باد سهیل عربی و زنده باد فرنگیس مظلوم که بسیار رنج کشید و کارزارهای فعالانه ای را برای آزادی سهیل به جریان انداخت، و زنده باد همه مردم آزادیخواه!

از فیس بوک کاظم نیکخواه

بازداشت و نامه اجرای احکام دادسرای امنیت» او آزاد شده و عازم برازجان شده است.

سهیل عربی به اتهام سب النبی و توهین به امامان شیعه و همچنین توهین به خامنه ای و امثال اینها ابتدا به اعدام محکوم شده بود و بدنبال در ایران و در سطح جهان، کمپینهای بسیار گسترده در محکومیت او به هفت سال زندان کاهش یافت. او بیش از هشت سال در زندان بود.

خبر خوش امروز ۲۵ آبان اینست که سهیل عربی آزاد شده است. امروز وکیل سهیل عربی خبر داد که این زندانی سیاسی از زندان آزاد شده است. اما برای اجرای بخش دیگر محکومیتش که تبعید است به برازجان تبعید شده تا بقیه حکم خود را بعنوان اقامت اجباری در این شهر بگذراند. مصطفی دانشجو وکیل دادگستری امروز در حساب توئیتری خود از آزادی سهیل عربی خبر داد و نوشت «با محاسبه دقیق ایام

استار جنایت با وقاحت!

حقیر تر و درمانده تر و سوا تر، و مردم جسورتر و متحدتر و قدرتمندتر میشوند. خیزش ۹۸ به خون کشیده شد اما شکست نخورد. دادگاه آبان تریبونال، همچون دادگاه حمید نوری در استکهلم و دادگاهی که شش ماه قبل در انتاریو کانادا تشکیل شد و خامنه ای و سرداران سپاه را به جرم قتل عمد ۱۷۶ سرنشین پرواز ۷۵۲ محاکمه و محکوم کرد، از دستاوردهای خیزش آبان است. آبان ادامه دارد و تا پیروزی کامل بر ددمنشان حاکم ادامه خواهد داشت.

حمید تقوایی ۱۲ نوامبر ۲۱

اوباش اش، و جامعه با اعتصابات گسترده کارگران و تجمعات اعتراضی بیسابقه معلمان و بازنشستگان و کشاورزان، با برگرفتن حجاب، با دشنام به اسلام و تابوها و مقدسات اسلامی، و با دادگاه حمید نوری و آبان تریبونال در این جنگ مرگ و زندگی در برابر یکدیگر قرار گرفته اند. هر دو طرف برای بقا میجنگند. آیت الله‌های میلیاردی برای بقای قدرت و ثروت خود و یک جامعه ۸۰ میلیونی برای بقای زندگی!

در این نبرد حکومت روز بروز

کارنامه سیاه خود دارند، رسوا ترین جلاد حکومتی را به ریاست جمهوری منصوب میکنند، ... و دادگاهی که گوشه ای از جنایاتشان را مستند میکند «تروریست» می خوانند! باید در کنار مدال جانی ترین حکومت دنیا، مدال وقیح ترین را هم به سینه این جلاان زد.

جنگ مرگ و زندگی میان جامعه و حکومت جمهوری اسلامی در عرصه ای به پهنه دنیا در جریان است. حکومت با کابینه جنگی رئیسی و گله های بسیج و سپاه و لباس شخصیها و ارادل و

نیروهای امنیتی و به ویژه تک‌تیراندازها از گلوله‌های دو زمانه استفاده کردند که پس از برخورد منفجر می‌شوند. این گلوله‌ها اصلا زخمی نمی‌کنند و فقط به قصد کشتن مردم شلیک شدند».

این تنها گوشه ای از جنایات حکومتی است که وقیحانه قربانیان خود را تروریست مینامد. هواپیمای مسافربری را به موشک می‌بندند، به اعتراف خودشان نه تنها به پا بلکه به سر هم شلیک میکنند، ۱۵۰۰ نفر کشته در عرض یک هفته را در

شما از ما می خواهید درباره برجام با شما مذاکره کنیم اما به جای اینکه حسن نیت نشان دهید به یک عده «تروریست» اجازه داده اید که اینجا دادگاه بگذارند و ما را محاکمه کنند».

علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی خطاب به دول اروپائی در اعتراض به دادگاه آبان تریبونال این اظهار لحن تهدید نیست، تلاشی برای استتار جنایت با وقاحت است. به گفته شاهد ۳۹۹ دادگاه آبان تریبونال «در جریان اعتراضات آبان ۹۸،

ازدواج اسلامی و بیرون از چهارچوب مناسبات اسلامی در بین مردم رواج پیدا کرده است و رهایی جنسی زنان نیز بخشی از این تغییرات است، شکاف بین زنان و جمهوری اسلامی نه تنها هرگز پُر نخواهد شد بلکه این شکاف در نهایت باعث سقوط جمهوری اسلامی به قعر تاریخ اسلام (جایی که به آن تعلق دارد) میشود.

انقلاب زنانه

۱۶ نوامبر ۲۰۲۱

سعی تمامی مقامات جمهوری اسلامی در اجرایی کردن فرامین علی خامنه‌ای رأس این دیکتاتوری اسلامیست، که وظیفه زن را فرزندآوری و شوهرداری معرفی کرده است. اظهار نظر عضو کمیسیون مجلس در واقع نشان دهنده شکاف عمیق بین زنان ایران با این حکومت اسلامی #ضدزن است.

انقلاب زنانه باور دارد که این خود زنان هستند که باید تجربیات خود را انتخاب کنند. همانطور که زندگی مشترک بدون

متأهل بودن و فرزندآوری یک انتخاب و حق انسانیت نه یک اجبار حکومتی!

مهرداد ویس کرمی، عضو کمیسیون آموزش مجلس گفت: «هر چه خانمها به سمت این رفتند که درس بخوانند، ازدواج و بچه‌دار شدن در آنها کمتر رخ داده است.»

او ادامه داد تلاش کمیسیون #جوانی_جمعیت این است که زنان بتوانند «متأهل بودن» و «فرزندآوری» را تجربه کنند.



متأهل بودن و فرزندآوری یک انتخاب و حق انسانیت نه یک اجبار حکومتی!

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۲۴

دو مقام جمهوری اسلامی عملاً حکم دادگاه آبان را پذیرفتند



TRIBUNAL

دادگاه بین‌المللی مردمی آبان

International People's Tribunal

on Iran Atrocities of November 2019

میگوید ما آدمکشیم.

تعمیب است اما حساب کنید که اینها که یک فعالیت تماماً سیاسی در لندن را تروریستی میخوانند چگونه در داخل کشور تظاهرکنندگان را عامل اسرائیل و آمریکا میخوانند و به آنها شلیک میکنند و یا به فعالین سیاسی مردم مهر تروریست و خرابکار و جاسوس میزنند و اعدام میکنند. صحبت هر دو مقام حکومت اعتراف آشکاری است که مردم ایران و کل مردم دنیا با یک حکومت آدمکش و مشتکی جنایتکار طرفند.

دادگاه آبان صرفنظر از دستاوردهای سیاسی دیگرش، تا همینجا که آدمکشان را از سوراخ بیرون کشید نیز دادگاهی موفق و درخور توجه بود.

اصغر کریمی ۱۵ نوامبر ۲۰۲۱

مقامات جمهوری اسلامی که از متهمان دادگاه آبان در لندن بودند حاضر به شرکت در جلسات دادگاه نشدند اما دو نفر از مقامات حکومت در حین برگزاری دادگاه، با اظهاراتشان عملاً گزارش شهود دادگاه را تایید کردند و قبل از اینکه دادگاه رای خود را صادر کند، محکومیت حکومت را پذیرفتند!

مقام دیگری که در مورد این دادگاه اظهار نظر کرده علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی است که برگزار کنندگان دادگاه را "تروریست" خوانده است.

او به شیوه دیگری که بیشتر در حکومت مرسوم است به آدمکشی حکومتیان اعتراف کرده است. اقدام برگزار کنندگان دادگاه آبان و خانواده هایی که شهادت دادند یک فعالیت سیاسی است. نه اسلحه ای دستشان است نه آدم کشته اند نه به سر یا پای کسی شلیک کرده اند و مقام رسمی حکومت آنها را تروریست میخواند. صرفنظر از اینکه این تروریست خواندن بی دلیل دیگران قابل

نوروزی نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس اسلامی در واکنش به برگزاری دادگاه آبان در انگلیس و قیحه گفته: «یکی از آنهایی که به مردم شلیک کرد من بودم، ما گشتیم، حالا چه کسی می خواهد ما را محاکمه کند»!

این دیگر به هیچ شاهی نیاز دارد صریح و بدون پرده پوشی

استفاده انساندوستانه از دارایی های بلوکه شده مردم ایران

سرمای کشنده در چادر زندگی می کنند و به تغذیه و درمان مناسب دسترسی ندارند. بیماری و گرسنگی در این اردوگاههای پناهندگی بیداد می کند. در پشت دروازه های کشورهای اروپایی دهها هزار پناهجو و از جمله هزاران پناهجوی ایرانی در جنگل ها و در محاصره سیم های خاردار، درد و رنج و سرما را تحمل می کنند تا شاید به کشورهای پناهنده پذیر اروپایی برسند.

وزیر خارجه سابق بریتانیا می گوید: باید بدهی ۴۰۰ میلیون پوندی ایران را پرداخت.

ایران در اواخر حکومت پهلوی یک مجموعه تانک چیفتن از بریتانیا خرید و پول آن را پرداخت کرد. بعد از قدرت گیری جمهوری اسلامی این محموله تحویل داده نشد و پول پرداخت شده با جمهوری اسلامی پرداخت نگردید.

ما به سادگی می گوئیم این پول متعلق به جمهوری اسلامی و سران دزد و جنایتکارش نیست. همانطور که دارایی خانواده سلطنتی نبوده است. این پول حاصل رنج و زحمت و مشقت مردم ایران است.

در این مورد مشخص می توان تحت نظارت کمیساری سازمان ملل در امور پناهندگان، این پول صرف بهبود شرایط زیستی دهها هزار پناهجوی ایرانی شود که در ترکیه در شرایط بسیار طاقت فرسایی بسر می برند. در اردوگاههای کشور یونان پناهجویان همراه با فرزندان خردسالشان در دل زمستان و

در انگلیس به هر پناهجو هفته ای ۸ پوند بعنوان کمک هزینه یا کمک خرج پرداخت می گردد. همه اینها در حالی است که آفازاده های حکومت اسلامی با دزدیدن میلیاردها دلار از اموال مردم ایران به یک زندگی افسانه ای دست یافته اند.

در قدم اول و فوراً می توان این ۴۰۰ میلیون پوند را صرف پناهجویان ایرانی کرد. دارایی بلوکه شده این مردم متعلق به حکومت های فاسد و ضد انسانی نیست. حق مردم ایران است که از آن استفاده کنند. کیوان جاوید



IBAHRI
@IBAHRI · 3d

IBAHRI calls for #UnitedNations action following opening of people's tribunal on Iran atrocities. #UNHRC mechanism needed to further investigate the alleged atrocity crimes by Iranian authorities during Nov 2019 crackdown in #Iran.

#AbanTribunal



آنروزی که جهان جمهوری اسلامی را همچون حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی بایکوت کند.

انقلاب زنانه

۱۶ نوامبر ۲۰۲۱

آبان ۹۸ باز کند. تاثیر این دادگاه مهم علاوه بر ضربه مهلک بر پیکره جمهوری اسلامی، بر تقویت گفتمان بایکوت جمهوری اسلامی در سطح بین المللی تاثیر بسزایی دارد. باشد

کانون وکلای بین المللی با صدور اطلاعیه ای خواستار آن شد که سازمان ملل در پیگیری #دادگاه بین المللی مردمی آبان، پرونده ای جامع برای تحقیق درباره جنایات مقامات ایرانی در طی سرکوب اعتراضات

اطلاعیه های حزب

سهیل عربی، زندانی سیاسی شجاع و جسور جامعه آزاد شد!

همینجا آزادی سهیل عربی را به مادر شجاع و خستگی ناپذیرش #فرنگیس_مظلوم، دخترش، خانواده، نهادها، سازمانها و احزابی که تمام این سالها در کنار ما صدای سهیل و خانواده اش بودند، شادباش میگوئیم و خواستار لغو حکم تبعید او و بازگرداندنش به محل سکونت خانواده هستیم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۲۶ آبان ۱۴۰۰ - ۱۷ نوامبر ۲۰۲۱

دخترش رو به جامعه نوشت.

سهیل عربی صدای زندانیان سیاسی و خانواده هایشان شد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در تمام این سالها در نشستها و کنفرانسهای بین المللی، همچنین در ارتباط با وکلا و نهادهای حقوق بشری تلاش کرد که صدای سهیل باشد و در روزهای بین المللی به نام سهیل نقش موثری ایفا کند.

جلوی چشم جامعه گرفت.

او بارها در اعتراض به وضعیت زندانیان دست به اعتصاب غذا زد. با گلرخ ایرانی و آتنا دائمی در اعتراض به اعدام زانیار و لقمان مرادی و رامین حسین پناهی دست به اعتصاب زدند.

صدای معلمان زندانی، درویش زندانی و معترضین بازداشتی آبان ۹۸ شد. از محرومیت زندانیان بیمار از دارو و درمان، از تبعید زندانیان و از دلنگی هایش و

ای شناخته شده، محبوب و جسور جامعه است که زندان، سیاه چال های جمهوری، شکنجه و بارها پرونده سازی پوشالی و صدور حکمهای زندان و تبعید از این زندان به زندان دیگر، نتوانست او را ساکت کند.

سهیل در تمام این سالها صدای تمام زندانیان سیاسی و حتی زندانیان عادی شد. او با نوشتن و گفتن در مورد زندان تهران بزرگ، شرایط دهشتناک و غیرانسانی این زندان و زندانیان آنجا را

دیروز طی خبری از طرف وکیل و مادر سهیل عربی، اعلام شد که سهیل عربی ز زندان رجائی شهر آزاد شد.

این خبر که همزمان با دومین سالگرد اعتراضات آبان و پس از برگزاری آبان تریبونال بود، جامعه را بوجد آورد.

سهیل عربی، وبلاگ نویس آنتیستی است که در سال ۱۳۹۲ تا کنون در بازداشت بسر میبرد.

سهیل عربی یکی از چهره

تلاخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب

۷۰۰ تا ۹۰۰ نفر از آنها به تناوب تجمع بر پا میکنند.

روز دوشنبه ۲۴ آبان جمعی از کارکنان مخابرات سبزوار در اعتراض به عدم پرداخت مزایا و حقوق موقه‌ی چند ماه گذشته خود دست به تجمع و اعتراض زدند.

روز یکشنبه ۲۳ آبان ماه کارگران شرکت موتورسازان تراکتورسازی تبریز در اعتراض به دستمزد پایین خود برای چندمین بار در ماه جاری تجمع کردند. افزایش حقوق، اجرای طبقه بندی مشاغل، پرداخت حق بهره وری متناسب و به روز شده، امنیت شغلی و تبدیل وضعیت قراردادهای موقت از جمله خواسته های اعلام شده کارگران در این اعتراضات است.

تجمعات بازنشستگان فولاد در اصفهان و اهواز، معلمان خرید خدمت در قزوین و نیشابور و سه خبر دیگر

روز ۲۳ آبانماه بازنشستگان و مستمری بگیران در اهواز و در اصفهان همچون یکشنبه ههای قبل برای پیگیری مطالباتشان مقابل صندوق

ادامه در صفحه ۲۷

ادامه اعتراضات ۳۵۰۰ کارگر معادن زرنند کرمان و تجمعات کارکنان مخابرات سبزوار و شرکت موتورسازان تراکتورسازی تبریز

اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ و زغالشویی زرنند استان کرمان در اعتراض به واگذاری این معادن به بخش خصوصی (شرکت دالاهو و پیمانکاران وابسته به آن) و به خطر افتادن شغل و معیشت خود، در روز ۲۴ آبان نیز ادامه یافت و صدها نفر از کارگران مجدداً مقابل ساختمان معدن زغال سنگ تجمع کردند. این اعتراضات از هفته گذشته آغاز شده است. متوقف شدن این واگذاری ها، دائمی شدن قراردادهای کاری، ارتقاء ضریب حقوقی از یک و نیم به ۲ و پرداخت حق بیمه، از جمله مطالبات اعلام شده این کارگران است. بر بنرهای کارگران در این تجمع اعتراضی نوشته شده بود: «واگذاری معادن ذغال سنگ به پیمانکار مساویست با برده داری مدرن»، «روی کار آمدن پیمانکار مساویست با مکیدن خون کارگران». این کارگران همچنین شعار میدادند «می مانیم، می میریم ذلت نمی پذیریم» و «پیمانکار عامل قتل کارگر». در این اعتراضات ۳۵۰۰ کارگر شرکت دارند و روزانه

مشقت بار کاری در مراکز نفتی را حق همه کارگران شاغل در نفت اعلام کرده است.

کارگران ارکان ثالث تجمعات متعددی با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادها داشته اند و این مطالبه همه کارگران نفت است. خلع ید از پیمانکاران، لغو قوانین ویژه مناطق اقتصادی، داشتن امنیت شغلی و دائمی شدن قراردادها، افزایش حقوق بنا بر ارقام اعلام شده خود کارگران و تاکید بر اینکه مزد هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون کمتر باشد، پرداخت بواقع دستمزدها و تسویه حساب فوری طلبهای کارگران، توقف اخراج ها و بیکر سازیها، ایمنی محیط های کار و اجرای پروتکل های سازمان بهداشت جهانی در مقابله با بیماری مرگبار کرونا، بهبود قابل قبول وضع کمپها و غذا، پایان دان به دزدی ها و اختلاس ها و پایان دادن به امنیتی کردن فضای کاری و داشتن حق تشکل، تجمع و اعتراض از جمله مطالباتی است که کارگران نفت در طول اعتراضاتشان بارها بر روی آنها تاکید کرده اند. اعتراضات در نفت گسترده است. از خواستها و مطالبات این کارگران باید وسیعاً حمایت کرد.

موبایل شخصی وی هم اکنون در دست نیروهای امنیتی است. حزب کمونیست کارگری بازداشت علیه اقدام دوست را محکوم و بر آزادی فوری او و همه زندانیان سیاسی تاکید دارد.

یک موفقیت مهم برای کارگران ارکان ثالث نفت در پارس جنوبی

روز یکشنبه ۲۳ آبان بدنبال اعتراضات کارگران ارکان ثالث در مجتمع گاز پارس جنوبی، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزارت نفت دستور اجرای طرح اقماری ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی را برای کلیه کارگران پیمانکاری شاغل در پالایشگاه های گاز پارس جنوبی صادر کرد. کارگران ارکان ثالث تا کنون به صورت نوبت کاری سه هفته کار و یک هفته استراحت کار می کردند و اکنون با اجرای طرح جدید آنها نیز همچون کارکنان رسمی از طرح اقماری دو به دو برخوردار میشوند و این یک پیروزی مهم برای کارگران پیمانکاری نفت است که مدتهاست به شرایط کاری خود اعتراض داشته اند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت ضمن گزارش این خبر اجرای ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی را با توجه به شرایط

تجمع کارگران شرکت حفاری گلوبال پترو تک کیش، سیلان پارچه اردبیل و بازداشت عالییه اقدام دوست معلم بازنشسته

روز ۲۵ آبان جمعی از کارگران شرکت تاسیسات حفاری گلوبال پترو تک کیش در اهواز در اعتراض به عدم پرداخت هفت ماه دستمزد و حق بیمه خود دست به تجمع زدند. در این حرکت اعتراضی کارگران دست نوشته هایی در بیان اعتراضشان به تعویق پرداخت حقوقها در دست داشتند.

روز دوشنبه ۲۴ آبان کارگران کارخانه «سیلان پارچه اردبیل» در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه دستمزد و واریز نشدن ۳ ماه حق بیمه خود بار دیگر دست به تجمع زدند و در محوطه شرکت گرد آمدند.

ساعت یک بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۵ آبان علیه اقدام دوست معلم بازنشسته که در سفر فومن به سر می برد، بوسیله نیروهای پلیس امنیت فومن و تهران در منزل یکی از بستگانش در روستاهای فومن دستگیر شد. او ساکن تهران است. علیه اقدام دوست حکم ۹ سال زندان را در پرونده ی خود دارد و با وثیقه ی ۴۰۰ میلیونی آزاد شده بود. گوشه



حقوق همراه آنان به طور کامل پرداخت نشده و تا هم اکنون مبلغ ۷ میلیون تومان آنهم در دو مرحله به حساب آنان واریز شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ آبان ۱۴۰۰، ۱۶ نوامبر ۲۰۲۱

بازنشستگان هما در اعتراض به وضعیت خود، عدم پرداخت کامل حقوق و مخالفت با انتقال صندوق بازنشستگان هما به صندوق بازنشستگی کشوری، مقابل ساختمان اداره مرکزی فرودگاه مهرآباد تجمع کردند. به گفته بازنشستگان هما

– روز یکشنبه ۲۳ آبان جمعی از رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد تهران در اعتراض به وضع اسفناک معیشتی خود و با خواست رسیدگی به مشکلات مزدی و تحویل سند مالکیت اتوبوس‌هایشان مقابل دادسرای کارکنان دولت واقع در میدان منیریه تجمع کردند. و سپس بصورت راهپیمایی بسوی دفتر قوه قضایی راهپیمایی کردند.

– روز ۲۱ آبان کارگران شرکت معادن زغال سنگ کرمان در پی تجمعات اعتراضی خود بخاطر قراردادهای موقت برده وار و سطح نازل حقوقی‌هایشان، در جلسه ای در فرمانداری زرنند با مقامات معادن زغال سنگ کرمان، فرماندار زرنند، مدیران شرکت فولاد تجارت دالاهو و مقامات امنیتی و نظامی شرکت کردند. و بر خواسته‌های خود در آنجا تاکید و پافشاری کردند. به گفته کارگران این جلسه بدون نتیجه و پاسخگویی به اعتراض آنها پایان یافت. کارگران اعلام کرده اند که کوتاه نمی آیند و به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

– روز شنبه ۲۲ آبانماه جمعی از

طرح شده اند، و به برخوردهای سلیقه‌ای در نحوه اجرای طرح و میزان بسیار نازل حقوق‌ها اعتراض دارند.

– روز شنبه ۲۲ آبانماه نیروهای خرید خدمات نیشابور در پی لغو قرارداد استخدام خود پس از یکماه از فعالیت، در اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع کردند. بنا بر خبر در حالی که طی هفته گذشته خبر دعوت به کار نیروهای خرید خدمات یا همان طرح حمایتی در آموزش و پرورش نیشابور و فیروزه منتشر شد، اما تمام این افراد پیامک لغو قراردادشان را دریافت کردند. به گفته معلمان خرید خدمات اکثریت قاطع آنها تا پیش از این در مراکز آموزشی مشغول به تدریس بوده‌اند و اکنون در آخرین روزهای آبان ماه و پس از حدود یک ماه هنوز بلاتکلیف هستند. یکی از مطالبات معلمان در تجمع سراسری بیستم آبانماه آنها که در ۷۴ شهر برگزار شد، تعیین تکلیف وضعیت معلمان خرید خدمت و دیگر معلمان قرارداد موقت بود که در قطعنامه خود به مناسبت این حرکت اعتراضی بر آن تاکید کردند.

بازنشستگی فولاد در این دو شهر تجمع کردند. همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله خواسته‌های اعلام شده بازنشستگان فولاد در تجمعات اعتراضی بوده است. یک اعتراض دائمی بازنشستگان به سطح نازل حقوقها است که آنها را دچار محرومیتها و فشارهای زیادی ساخته است.

– روز ۲۳ آبان جمعی از معلمان خرید خدمات آموزش و پرورش استان قزوین در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تغییرات ایجاد شده در قراردادهای و اختلال در دریافت حقوق خود مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. بنا بر خبر این معلمان با کمترین حقوق ماهانه یعنی یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان که حدوداً یک نهم یا یک دهم خط فقر اعلام شده است، مشغول به کار هستند. بعلاوه اینکه همین چندرغاز حقوق هم سر وقت پرداخت نمیشود. برای نمونه آنها مطالبات سال ۹۲ خود را دو ماه قبل دریافت کردند. آنها از سال ۹۳ وارد این

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpIran.org

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۳۷

اطلاعیه سازمان عفو بین الملل درباره دادگاه آبان تریبونال



سازمان عفو بین الملل از همه‌ی اعضای سازمان ملل می‌خواهد که شهادت شاهدان این دادگاه را به دقت دنبال کرده و از طریق شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، یک سازوکار تحقیقاتی مستقل برای جمع‌آوری، نگهداری و تجزیه و تحلیل شواهد و اسناد مرتبط با جدی‌ترین جنایات بین‌المللی صورت گرفته در ایران تاسیس کنند و بدین ترتیب زمینه برگزاری محاکمه‌های کیفری عادلانه را فراهم سازند.

۱۶ نوامبر ۲۰۲۱

به مصونیت نظام‌یافته مسئولان و مسببان این سرکوب حکومتی پایان داده شود. جلسات استماع دادگاه مردمی آبان نقطه عطفی برای اطمینان حاصل کردن از این است که جنایات صورت گرفته به فراموشی سپرده نخواهند شد. از همه مهم‌تر، با برگزاری این دادگاه، از دولت‌های عضو سازمان ملل متحد هرچه بیشتر انتظار می‌رود تا هم در نشست جاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد و هم در نشست بعدی شورای حقوق بشر سازمان ملل با انجام اقدامات معنادار مسیر پاسخگویی و برقراری عدالت را هموار کنند.»

گفت: «با وجود درخواست‌های مکرر عفو بین الملل و سایر نهادهای حقوق بشری، کشورهای عضو سازمان ملل متحد هنوز اقدامی برای انجام تحقیقات بین‌المللی مستقل درباره‌ی جنایات بین‌المللی و نقض فاحش حقوق بشر توسط مقامات ایران که در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و پس از آن رخ داده، از جمله قتل معترضان و رهگذران، بازداشت‌های غیرقانونی و بی‌ضابطه‌گسترده، ناپدیدسازی قهری و شکنجه انجام نداده‌اند.»

او افزود: «زمان آن رسیده که

مردمی آبان برای رسیدگی به جنایات حکومت ایران در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸» شهادت چند ده نفر از شاهدان عینی، شامل معترضان، بستگان، کشته‌شدگان، شکنجه‌شدگان، کارکنان نهادهای درمانی و مسئولان امنیتی سابق را خواهند شنید. هم‌چنین چند «شاهد متخصص» در مقابل این دادگاه مردمی که توسط وکلا و قضات صاحب‌نام هدایت می‌شود حاضر شده و یافته‌های تحقیقاتی‌شان را ارائه خواهند داد.

هبا مرایف، مدیر دفتر خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین الملل

سازمان عفو بین الملل اعلام کرد که دادگاه مردمی بین‌المللی که از دیروز در لندن بررسی شواهد مرتبط با کشتار و مجروح کردن هزاران معترض و رهگذر توسط مقامات جمهوری اسلامی ایران در جریان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ را آغاز کرده است، یک ابتکار عمل قدرتمند علیه عدم پاسخگویی و مصونیت مرتکبان نقض حقوق بشر از پیگرد و مجازات است و باید زنگ بیداری برای همه کشورهای عضو سازمان ملل باشد.

در طی چهارروز استماع، قضات ناظر بر «دادگاه بین‌المللی

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL DJADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های: